



تبیین نقشه نظام مقایسه نظریه تَعْرِف

محورها:

۱. رکن اول قرارگاه: چگونه حُسنُ الاستماع را در قرارگاه تَعْرِف ارتقا دهیم؟
۲. رکن دوم قرارگاه: شکل اقامه نظریه تَعْرِف چگونه است؟
۳. رکن سوم قرارگاه: فعالیت‌های محرومیت‌زدایی در کشور دارای چه آسیب‌هایی می‌باشند؟
۴. رکن چهارم قرارگاه: الگوی عام قرارگاه تَعْرِف چیست؟
۵. رکن پنجم قرارگاه: الگوی خاص قرارگاه تَعْرِف چیست؟
۶. رکن ششم قرارگاه: چگونه با فرهنگ‌ها، قوانین و ساختارهای مولد محرومیت مواجه شویم؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه:

جزوه پیش‌رو متن پیاده‌شده سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) و پرسش و پاسخ‌های مطرح‌شده درباره بحث ایشان توسط اعضای قرارگاه تعریف است که در تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۳۹۸ در قرارگاه سلامت در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود جزوه و دو نمودار آن (نمودار کل جلسه و نقشه قرارگاه تعریف) به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست اجمالی

۱. طرح مقدماتی پیش از ارائه توضیحات درباره نقشه نظام مقایسه نظریه تعریف ۱
- ۱/۱. دستور جلسات اتاق طراحی قرارگاه تعریف شامل کدام محورهاست؟ ۱
- ۱/۱/۱. بررسی گروهی میزان پیشرفت زیرساخت‌های قرارگاه تعریف؛ اولین محور دائمی مباحثات اتاق طراحی قرارگاه تعریف ۱
- ۱/۱/۱/۱. بررسی نقشه قرارگاه تعریف؛ زیرساخت اول قرارگاه تعریف ۱
- ۱/۱/۱/۲. تلاش همگانی برای یافتن شخص «اهل» برای محرومیت‌زدایی؛ زیرساخت دوم قرارگاه تعریف ۲
- ۱/۱/۲/۱. استفاده از نیروهای نا اهل به بهانه تربیت آنها به جای نیروهای دارای اهلیت بالفعل؛ از عوامل اصلی شکست مجموعه‌های محرومیت‌زدا ۳
- ۱/۱/۱/۳. مرکز گفت‌وگوهای ملی مرتبط با حوزه محرومیت‌زدایی (نمایشگاه)؛ سومین زیرساخت قرارگاه تعریف ۴
- ۱/۱/۲. بازخوانی سؤالات (ارکان) قرارگاه به غرض ارتقای آنها تا سطح حسن‌السؤال؛ دومین محور دائمی مباحثات اتاق طراحی قرارگاه تعریف ۴
- ۱/۱/۳. طرح پرسش‌های آینده برای اتاق طراحی؛ سومین محور دائمی مباحثات اتاق طراحی قرارگاه تعریف ۵
- ۱/۱/۳/۱. منحصر‌بودن ایجاد مشارکت حداکثری در روش تحریک فکر؛ علت طرح مسائلی از سنخ سؤال و پرسش به عنوان ارکان قرارگاه ۶
- ۱/۱/۳/۱/۱. تأمین بهتر نیروی انسانی و هزینه‌های مادی با روش تحریک فکر ۷
- ۱/۱/۳/۲. تبعیت منطق تولید پرسش‌ها از نه باب «فقه‌البیان» ۸
۲. رکن اول قرارگاه: چگونه حسن‌الاستماع را در قرارگاه تعریف ارتقا دهیم؟ ۱۲
- ۲/۱. فقدان مرادۀ علمی و گفتگوی دائمی بین فعالین محرومیت‌زدایی؛ علت طرح سؤال اول ۱۲
۳. رکن دوم قرارگاه: شکل اقامه نظریه تعریف چگونه است؟ ۱۲
- ۳/۱. تفاوت شکل اجرای نظریات پوزیتیویستی با نظریات بخشی‌الگوی پیشرفت اسلامی؛ علت طرح سؤال دوم ۱۳
- ۳/۲. مدیریت خبر، تضارب، مکتوبات و نمونه‌سازی؛ چهار بخش از مباحثات مطرح درباره شکل اجرای نظریات الگوی پیشرفت اسلامی ۱۳
۴. رکن سوم قرارگاه: فعالیت‌های محرومیت‌زدایی در کشور دارای چه آسیب‌هایی می‌باشند؟ ۱۵
- ۴/۱. علم غلط و راهبری جوانان ناپخته در بین فعالین محرومیت‌زدا؛ علت طرح سؤال سوم ۱۵
- ۴/۲. اطلاع‌یافتن از شیوع نظریه فراتسهیل‌گری در قرارگاه پیشرفت و آبادانی؛ از برکات طرح سؤال سوم ۱۶
۵. رکن چهارم قرارگاه: الگوی عام قرارگاه تعریف چیست؟ ۱۷

۵/۱. تصویرسازی بر اساس نظریات عام الگوی پیشرفت برای افراد قرارگاه و جلوگیری از تأثیرگذاری مفاهیم مدرن بر افراد قرارگاه؛

علت طرح سؤال چهارم ۲۱

۶. رکن پنجم قرارگاه: الگوی خاص قرارگاه تعریف چیست؟ ۲۲

۶/۱. تعریف محرومیت‌زدایی به معنای بهینه‌کردن روابط انسانی و تبیین سبزه نوع روابط انسانی به عنوان تصویر الگوی خاص

قرارگاه ۲۲

۷. رکن ششم قرارگاه: چگونه با فرهنگ‌ها، قوانین و ساختارهای مولد محرومیت مواجه شویم؟ ۲۲

۷/۱. لزوم مواجهه با سه دسته پیش‌فرض‌های خنثی‌کننده تمدن مدرنیته نسبت به تصمیمات محرومیت‌زایانه قرارگاه تعریف؛ علت طرح

سؤال ششم ۲۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

همان‌طور که عرض کردم امروز جلسه پنجم اتاق طراحی قرارگاه تعریف است؛ یعنی مجموعه مباحثاتی را خدمت دوستان ارائه می‌کنیم و متقابلاً از محضر دوستان نیز استفاده می‌کنیم تا به تدریج نقشه‌ای درباره چگونگی محرومیت‌زدایی در اذهان دوستان تولد پیدا کند. همان‌طور که در جلسه گذشته عرض کردم،

۱. طرح مقدماتی پیش از ارائه توضیحات درباره نقشه نظام مقایسه نظریه تعریف

۱/۱. دستور جلسات اتاق طراحی قرارگاه تعریف شامل کدام محور هاست؟

۱/۱/۱. بررسی گروهی میزان پیشرفت زیرساخت‌های قرارگاه تعریف؛ اولین محور دائمی مباحثات اتاق طراحی قرارگاه تعریف

هنگامی که اتاق طراحی قرارگاه تعریف تشکیل می‌شود سه محور بحثی دارد. محور نخست مباحثات عبارت از بررسی همگانی میزان پیشرفت زیرساخت‌های قرارگاه تعریف است. قرارگاه تعریف زیرساخت‌هایی دارد به همین جهت، تمامی اعضای قرارگاه باید بررسی کنند که آیا آن زیرساخت‌ها رشد دارد یا ندارد، این محور اول است. همان‌طور که در جلسه گذشته خدمتتان عرض کردم ما سه زیرساخت در قرارگاه تعریف داریم؛

۱/۱/۱/۱. بررسی نقشه قرارگاه تعریف؛ زیرساخت اول قرارگاه تعریف

زیرساخت اول عبارت از نقشه قرارگاه تعریف است که در حال حاضر پیش‌نویس نخست آن در رؤیت دوستان است.^۱

۱. نقشه نظام مقایسه نظریه تعریف (نظریه بخشی محرومیت‌زدایی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی-خانه ۴/۱/۲) به جهت مدیریت هدایت‌بنیان (تصمیم‌ساز) فعالیت‌های مرتبط با محرومیت‌زدایی در کشور طراحی و تدوین شده است. طراحی و تدوین این نقشه ناظر به ظرفیت‌های (قدر) افراد فعال در این حوزه بوده است و دارای محورهای پنج‌گانه که عبارت است از ۱- بررسی چگونگی ارتقای حسن‌الاستماع در قرارگاه تعریف ۲- بررسی شکل اقامه نظریه تعریف ۳- آسیب‌شناسی مجموعه‌های فعال در حوزه محرومیت‌زدایی ۴- تبیین الگوی عام قرارگاه تعریف ۵- تشریح الگوی خاص قرارگاه تعریف می‌باشد. توصیه اصلی این نقشه عملیاتی باز تعریف رفتارهای جمعی، ساختارهای مدیریتی و چابک‌های قانونی مطابق با الزامات مفهومی و اجرایی نظریه تعریف است. به دلیل پیچیدگی‌های مفهومی و مدیریتی تحول لازم است تا پایان مرحله نمونه‌سازی اشراف مدیریتی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در فرایند اجرای نظریه نصب‌العین باشد.

۱/۱/۱/۲. تلاش همگانی برای یافتن شخصی «اهل» برای محرومیت‌زدایی؛ زیرساخت دوم قرارگاه تعریف

زیرساخت دوم تلاش همگانی برای پیدا کردن «اهل» برای مسئله محرومیت‌زدایی است؛ بسیاری از آیات قرآن تکیه بر این دارد که با غیر مؤمن همراهی نکنید،^۲ علم و اطلاعاتتان را به غیر اهل انتقال ندهید^۳ و اگر خواستید ازدواج کنید کفو خود را انتخاب نکنید.^۴ تقریباً حکم اول در همه حوزه‌های روابط انسانی، شناسایی اهل آن موضوع است؛ یعنی کسی که اهلیت دارد. [به‌عنوان مثال] در مسئله ازدواج، اهلیت را بر اساس مفهوم کفویت معنا می‌کنیم، در مسئله حکومت بر اساس مفهوم معیت معنا می‌کنیم^۵ در مسئله علم اهلیت را با مفهوم ایمان معنا می‌کنیم.^۶ در مجموع اهلیت در هر جایی قیدی دارد که باید آن قید را شناسایی کنیم. ما نیز در قرارگاه تعریف اشتباه اولمان - که در واقع همه کارهای ما را به چالش می‌کشد - این است که با غیر

پیش‌نویس اول شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، ۱۹ رمضان المبارک ۱۴۴۰/۱۴ خرداد ۱۳۹۸

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أُولِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
ای مؤمنان! اگر پدران و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند آنان را به دوستی و سرپرستی انتخاب نکنید! از شما کسانی که آنان را به دوستی و سرپرستی خود برگزینند ستمکارند. [ترجمه حسین انصاریان]

سوره مبارکه توبه، آیه ۲۳

۳. وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا تُؤْتُوا الْحِكْمَةَ غَيْرِ أَهْلِهَا فَتُظْلَمُوا وَ لَا تَمْنَعُوهَا أَهْلِهَا فَتُظْلَمُوهُمْ.

رسول خدا ﷺ فرمود: «حکمت را به ناهل ندهید که این جفای به حکمت است و آن را از اهلش دریغ ندارید که این جفای به اهلش می‌باشد.»
بحار الأنوار ج ۲، ص ۷۸

۴. بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْكَحُوا الْأَكْفَاءَ وَ انْكَحُوا فِيهِمْ وَ اخْتَارُوا لِطَيْفِكُمْ.

رسول خدا ﷺ فرمود: «با خانواده‌ای که هم کفو خودتان هستند ازدواج کنید و برای نطفه‌هایتان زن خوب انتخاب کنید.»

کافی ج ۵، ص ۳۳۲

۵. وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطُّولِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا ذَرْنَا نكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ - رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَ طَبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ - لَكِنِ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أَوْلِيَاءِ لَهُمْ الْخَيْرَاتُ وَ أَوْلِيَاءِ لَهُمُ الْمُفْلِحُونَ - أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و چون سوره‌ای نازل شد که: به خدا ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید؛ ثروتمندان و قدرتمندان از منافقان از تو اجازه می‌خواهند [که در جهاد شرکت نکنند] و می‌گویند: بگذار که ما با خانه‌نشینان باشیم. (۸۶) آنان راضی شده‌اند که با زنان خانه‌نشین باشند!! بد دل‌هایشان مهر تیره‌بختی زده شده پس [به همین سبب] آنان [منافع جهاد در راه خدا و بهره‌های آخرتی آن را] نمی‌فهمند. (۸۷) ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات [دنیا و آخرت] برای آنان است و اینانند که رستگارند. (۸۸) خدا برای آنان بهشت‌هایی را آماده کرده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه‌اند، این است کامیابی بزرگ. (۸۹) [ترجمه انصاریان]

سوره توبه، آیات ۸۶ تا ۸۹

۶. مُحَمَّدٌ بُنُّ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ حَدِيثَ آلِ مُحَمَّدٍ صَعْبٌ مُسْتَصَعَبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ ائْتَمَرَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَمَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَدِيثِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَلَا تَنْتَ لَهُ قُلُوبَكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ فَاقْبَلُوهُ وَ مَا اسْمَأَزَّتْ مِنْهُ قُلُوبَكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى الْعَالِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّمَا الْهَالِكُ أَنْ يَحْدَثَ أَحَدَكُمْ بِشَيْءٍ مِنْهُ لَا يَحْتَمِلُهُ فَيَقُولَ وَ اللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَ اللَّهُ مَا كَانَ هَذَا وَ الْإِنكَارُ هُوَ الْكُفْرُ.

رسو خدا ﷺ فرمود: «پس هر حدیثی که از آل محمد ﷺ به شما رسید و در برابر آن آرامش دل‌یافتید و آن را آشنا دیدید، بپذیرید. و هر حدیثی را که دلتان از آن رمید و ناآشنایش دیدید، آن را به خدا و پیغمبر و عالم آل محمد ﷺ رد کنید. همانا هلاک شده کسی است که حدیثی را که تحمل ندارد، برایش بازگو کند و او بگوید بخدا این چنین نیست؛ بخدا این چنین نیست و انکار مساوی کفر است.»

کافی ج ۱ ص ۴۰۱

در این روایت شریف تحمل علوم اهل بیت علیهم السلام از میان انسان‌های غیر پیامبر، تنها برای عبادی که قلبشان برای ایمان امتحان شده، میسر دانسته شده است.

اهل وارد گفت‌وگو بشویم؛ لذا زیرساخت دوم قرارگاه تعریف بعد از نقشه، این است که چه کسانی اهلیت دارند که عضو قرارگاه تعریف بشوند؟ چه کسانی اهلیت محرومیت‌زدایی دارند؟ بعداً به چستی شاخصه‌های اهلیت در قرارگاه تعریف و همچنین در موضوع محرومیت‌زدایی خواهیم پرداخت. ما به میزانی که می‌توانیم رفیق پیدا کنیم، می‌توانیم سیر کنیم یا به عبارت دیگر به میزانی که آدم‌های اهل را پیدا می‌کنیم، می‌توانیم رشد بدهیم.

۱/۱/۲/۱. استفاده از نیروهای نا اهل به بهانه تربیت آنها به جای نیروهای دارای اهلیت بالفعل؛ از عوامل اصلی شکست مجموعه‌های

محرومیت‌زدا

بنده مکرر در سال‌های اخیر دیده‌ام که بعضی از مسئولین محترم - که مسئول امری مهم در کشور هستند - فکر می‌کنند که در زیرمجموعه خود باید نیرو تربیت کنند و به دلیل تربیت نیرو - که آن‌هم سر جای خودش کاری درست است - از انسان‌های اهل در قرارگاهشان، در ستادشان، در سازمانشان شناسایی و استفاده نمی‌شوند. باید این دو را همیشه از یکدیگر جدا کنید. در برنامه‌ریزی‌های بالفعل همیشه باید انسان‌ها اهل باشند. شما می‌گویید ما برای آینده یک سری نیرو تربیت می‌کنم که این یک امر جدایی است؛ لذا بنده به این دلیل‌ها می‌گویم که شناسایی اهل - به تعبیر امروزی‌ها - نیروی انسانی اهل، یک زیرساخت است و به عنوان زیرساخت دوم مطرح است. زیرساخت اول نقشه برنامه‌هاست و زیرساخت دوم پیدا کردن نیروی اهل است. زیرساخت سومی که باید همه باهم بررسی کنیم و ببینیم که پیشرفت داشته است یا نه، بحث از مرکز ملی گفت‌وگوهای مرتبط در حوزه محرومیت‌زدایی است که از آن در جلسه گذشته به نمایشگاه محرومیت‌زدایی تعبیر کردیم. ما به دلیل اینکه غیرمعصوم هستیم به گفت‌وگوی دائمی درباره چگونگی محرومیت‌زدایی نیاز داریم؛ یعنی به هر میزان که منزلت اجتماعی و یا علم داریم، باز هم نمی‌توانیم ادعا کنیم که به حد نهایی و کفایت مسئله رسیده‌ایم. توجه بفرمایید! بنده روایاتی را از امام علیه السلام به خدمت شما می‌خوانم، بر روی آن‌ها دقت بفرمایید و ببینید که چقدر نورانی است! این روایت را امام علیه السلام خطاب به فقها می‌گویند - فقیه کسی است که در اوج فهم دینی در مرتبه غیر از معصومین قرار دارد - حضرت با اینکه فقیه در اوج فهم است،^۷ می‌فرمایند: که: «رُبَّ حَامِلٍ فِقْهِهِ وَ هُوَ غَيْرُ فِقْهِهِ» به فقیه می‌گویند که توجه کن؛ ممکن است کسی حامل فقه باشد ولی خودش فقیه نباشد؛ یعنی یک حرف عمیق در قلبش باشد اما خودش ابعاد آن حرف را نفهمد؛ بنابراین اگرچه تو فقیه هستی اما به حرف‌های غیر فقها هم توجه بکن. شاید آن‌ها برای تو حامل فقه بودند؛ یعنی فقیه هم که در اوج فهم غیرمعصوم است، موظف است که همیشه گوشش باز باشد، بشنود و حسن الاستماع داشته باشد. این روایت بسیار مهمی است. در عبارت دیگری که ظهور در این معنا دارد، می‌فرماید: «رُبَّ حَامِلٍ فِقْهِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ»^۸ ممکن است کسی فقه داشته باشد و آن را به سمت فرد افقه از خودش برده و برای او مطرح کند، این هم احتمال دارد؛ یعنی احتمال دارد شما به کسی که قطع دارید افقه است یک حرف فقیهانه را ارائه کنید و او هم بر مبنای این روایات وظیفه دارد نسبت به شما حسن الاستماع داشته باشد.

۷. وَ رَوَى أَنْ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا علیه السلام قَالَ: مَثَرَةُ الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَمَثَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ.

امام رضا علیه السلام فرمود: «مقام فقیه در این زمان مانند انبیا است در بنی اسرائیل.»

بحار الأنوار ج ۷۵، ص ۳۴۶

۸. كِتَابُ الْعَلَاءِ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ تَبْلُغْهُ رُبَّ حَامِلٍ فِقْهِهِ غَيْرُ فِقْهِهِ وَ رُبَّ حَامِلٍ فِقْهِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند حال بنده‌ای را نیک بگرداند که گفتار مرا بشنود و به یاد سپارد. آنگاه آن را به کسی برساند که آن را نشنیده است؛ چراکه چه بسا دارنده فقهی که دستی در فقه ندارد و چه بسا رساننده فقه به شخصی که از او فقیه‌تر است.» [ترجمه حسن زاده]

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، ص ۲۸۵

در حال حاضر آیت‌الله خامنه‌ای عملاً این کار را در جلسات عمومی و خصوصی خودشان انجام می‌دهند؛ حالا به همین میزانی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود [این مسئله را می‌بینیم] مثلاً در بخشی از جلسات ایشان بیشتر، دانشجویها، طلبه‌ها و کارشناس‌ها حرف می‌زنند و ایشان استماع می‌کند و این کار عمل به همین روایات است؛ بنابراین ما قطعاً به عنوان زیرساخت سوم، نیاز به مرکز ملی گفت‌وگو درباره مسئله محرومیت‌زدایی داریم. ممکن است فردی تجربه محرومیت‌زدایی داشته باشد و فقیه هم نباشد؛ باید یک مرکزی حرف‌های او را بشنود. آن حرف باید شنیده بشود و به فهم ما اضافه بشود؛ پس ما حتماً به زیرساخت سوم هم نیاز داریم.

این بخش اول مباحثات اتاق طراحی ماست. در محور اول ما باید همیشه بررسی کنیم و ببینیم که نقشه برنامه‌هایمان کامل است یا دچار نقص است که در این باره، پیش‌نویس نخست نقشه در ۴ خرداد ۱۳۹۸ مصادف با ۱۹ رمضان المبارک ۱۴۴۰ هجری قمری نوشته شده است. ولی باید بر روی آن دقت مجدد بکنیم زیرا ممکن است این پیش‌نویس ضعف داشته باشد و در این صورت، باید تکمیلش کنیم.

در محور دوم ما باید برای پیدا کردن اهل محرومیت‌زدایی تلاش بکنیم. لازم به ذکر است که بیش از ۵۰ درصد مشکل قرارگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که در حال حاضر در حوزه محرومیت‌زدایی فعال هستند به این مسئله برمی‌گردد که افرادی که در آنجا در حال فعالیت هستند، اهل نیستند و این مسئله مهمی است. در آینده ان‌شاء الله شاخصه‌های اهلیت را هم بحث خواهیم کرد.

۱/۱/۱/۳. مرکز گفت‌وگوهای ملی مرتبط با حوزه محرومیت‌زدایی (نمایشگاه)؛ سومین زیرساخت قرارگاه تعریف

زیرساخت سوم هم عبارت است از زیرساخت نمایشگاه یا همان زیرساخت مرکز گفت‌وگوهای ملی مرتبط با حوزه محرومیت‌زدایی. این یک محور است که باید راجع به آن مباحثه بکنیم.

۱/۱/۲. بازخوانی سؤالات (ارکان) قرارگاه به غرض ارتقای آنها تا سطح حسن‌السؤال؛ دومین محور دائمی مباحثات اتاق طراحی قرارگاه تعریف

اتاق طراحی در گفت‌وگوها، محور دومی هم دارد. هر جلسه‌ای که در اتاق طراحی تشکیل می‌شود به مقتضای مخاطبان، تعداد سؤالاتی را مبنای بررسی قرار می‌دهد که ممکن است یکی یا دو تا یا سه تا یا بیشتر باشد. فلذا یکسری سؤالات همیشه در جلسات اتاق طراحی بررسی خواهند شد. این هم محور دوم است؛ و البته در جلسه سوم قرارگاه تعریف قرار بر این شد که ما ۵ سؤال را بررسی بکنیم؛ و این ۵ سؤال را در جلسه چهارم اتاق طراحی قرارگاه تعریف بررسی کردیم. در این جلسه هم آن ۵ سؤال را بررسی می‌کنیم تا به جواب مکفی درباره این سؤالات برسیم تا در نهایت این سؤالات تبدیل به «حَسُنَ السُّؤَال» شوند، آن‌وقت سؤالات جدیدتر را مطرح می‌کنیم. پس اتاق طراحی غیر از بررسی میزان پیشرفت زیرساخت‌های قرارگاه تعریف، کار دیگری نیز دارد و آن این است که سؤالاتی را بررسی می‌کند که در حال حاضر سؤالات این جلسه -همان‌طور که همه می‌دانند- این است که ما می‌خواهیم ساختار نظریه فراتسهیل‌گری^۹ را با کمک یکی از کارشناس‌ها بررسی کنیم و نیز یکی از

۹. فراتسهیل‌گری، تسهیل‌گری فرایندی است که طی آن سعی می‌شود ابتکار عمل و خلاقیت و نیز قدرت تصمیم‌گیری به افراد و گروه‌هایی که تا کنون به هر علت در حاشیه بوده و فرصت مشارکت نداشتند انتقال یافته و نقش فعالیت اعضای گروه به طور قابل توجهی تداوم داشته باشد تا افراد به توانمندی برسند.

فراتسهیل‌گری: سازوکاری برای توسعه پایدار (نگرش، فلسفه، فنون)، مترجم: حجت‌اله شرافت‌دارگانی، ص ۲

نقد این نظریه در دستور کار قرارگاه تعریف قرار دارد و در بخش پایانی همین جلسه به نقد این نظریه بر اساس دستگاه تحلیلی «الگوی ساخت» در سه بخش «تعریف»، «تصویر» و «تصمیمات این نظریه» پرداخته شد.

کارشناسان ساختار نظریه توانمندسازی^{۱۰} را ارائه می‌کنند و ساختار نظریه تعریف^{۱۱} را هم بررسی می‌کنیم و وضعیت اجرای این نظریات سه‌گانه را در کشور مورد دقت قرار خواهیم داد. [از مسائل دیگری که بررسی خواهیم کرد] این است که تاکنون مبتنی بر این نظریات چه قوانینی تصویب شده است؟ و مبتنی بر این نظریات چه مقدار بودجه اختصاص یافته است؟ چقدر این نظریه با کارشناسان در میان گذاشته شده است؟ همهٔ مسائل مرتبط با اجرا را باید بررسی کنیم و همکاران احتمالی ما در این فرآیند نقد و نقض نظریات فراتسهیل‌گری و نظریات توانمندسازی را هم شناسایی کنیم. چه کسانی خارج از قرارگاه تعریف قابلیت و اهلیت همکاری با هدف قرارگاه تعریف را دارند؟ این هم سؤال پنجمی است که قرار است امروز بررسی کنیم.

۱/۱/۳. طرح پرسش‌های آینده برای اتاق طراحی؛ سومین محور دائمی مباحثات اتاق طراحی قرارگاه تعریف

اگر راجع به سؤالات اتاق طراحی به اندازهٔ کافی بحث شد؛ محور سومی هم در اتاق طراحی خواهیم داشت و آن محور، طراحی پرسش‌های آینده برای اتاق طراحی است. به هر حال اگر سؤالات در یک جلسه‌ای که داریم به اندازه کافی بررسی نشود، مهلت بررسی سؤالات را تمدید می‌کنیم و بررسی آن را به هفته آینده موکول خواهیم کرد. پس این عرض اول بنده است. البته در جلسه قبل هم این را مطرح کرده بودم ولی امروز هم از باب تذکر و تثبیت مطرح کردم تا بدانید برای چه به این جلسه می‌آیید؛ هر چیزی در قرارگاه تعریف مبتنی بر اختیار است؛ زمانی که می‌خواهید اختیار کسی را به رسمیت بشناسید ابتدا باید نقشه، صراط و سبیلی را که دعوت به طی نمودن آن دارید برای مخاطب خود واضح کنید.^{۱۲} ما فعلاً در اتاق طراحی به دنبال طراحی برنامه‌های محرومیت‌زدایی در کشور هستیم و هدف این است. هر هفته نیز سه محور گفتگو داریم و این سه محور کمک می‌کند که این طراحی اتفاق بیفتد. فلذا بر اساس ابلاغیه قرارگاه خودمان را اداره نمی‌کنیم بلکه بر اساس تحریک فکر و مشورت و تفقه قرارگاه را طراحی خواهیم کرد. پس این موضوعی است که برای تبیین نقشه در اتاق طراحی مورد بررسی قرار می‌دهیم. من مطابق این سیر سه‌گانه بحثی را در مورد زیرساخت اول قرارگاه تعریف به محضر شما مطرح می‌کنم و سپس إن شاء الله ادامه مباحثات را پیگیری خواهیم کرد.

بنده امروز در حال تأمل دربارهٔ نقشه قرارگاه تعریف بودم که در این نظام بروکراسی فعلی و به اصطلاح نهادگراها^{۱۳} در این تزامم نهادی موجود، آیا این نقشه می‌تواند مسئله محرومیت‌زدایی را در کشور مدیریت کند یا خیر؟ در فرایند تأملی که راجع به این

۱۰. توانمندسازی به مفهوم گسترش و بسط آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل‌دادن زندگی افراد است؛ این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیمات است. آزادی فقرا به شدت از طریق عدم امکان ابراز نظر و بی‌قدرتی، به‌ویژه از سوی دولت‌ها و بازارها تهدید می‌شود. در حال حاضر نابرابری جنسیتی شدیدی به‌ویژه در سطح خانوار وجود دارد.

توانمندسازی و کاهش فقر (کتاب مرجع) بانک جهانی، مترجمان: فرزام پوراصغر سنگاچین، جواد رضوانی، ص ۲۵

این نظریه که ذیل هدف اول سند توسعه پایدار مطرح شده است، در چندین جلسه مورد بررسی و نقد مفصل قرار گرفته که برای آشنایی با نقدهای الگوی پیشرفت اسلامی به این نظریه خطرناک و ناکارآمد می‌توانید به جلسه «تبیین اجمالی نظریه تعریف بر اساس الگوی ساخت» مورخ ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ در شهر مقدس قم؛ رجوع فرمایید.

لینک دانلود صوت جلسه ۴/۴۸۰/olgou/aitaa.com

۱۱. نظریه تعریف (نظریه بخشی محرومیت‌زدایی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی - خانه ۴/۱/۲) دارای سه بخش پژوهش (تکامل روابط انسانی)، بخش پرورش (مقابله با عوامل محرومیت‌زا) و بخش پردازش (طرح‌های طبیات، قری و... است).

۱۲. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

به راستی ما راه را به او نشان دادیم؛ حال یا سپاس گزار است یا بسیار کفران‌کننده. [ترجمه حسین انصاریان]

سوره مبارکه انسان، آیه ۳

۱۳. نهادگرایی یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این حرکت از اواخر قرن ۱۹ به‌ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز نمود.

بحث داشتیم به یک محور جدید رسیدیم که آن را محضر شما مطرح می‌کنم؛ به دلیلی که اکنون عرض می‌کنم ارکان قرارگاه تعارف باید از ۵ محور به ۶ محور ارتقا پیدا کند تا بتوانیم از تزامم نهادی موجود و قوانین و ساختارهایی که منشأ محرومیت هستند عبور کرده و آن‌ها را مدیریت کنیم به طوری که آن‌ها مانع ما نباشند.

۱/۱/۳/۱. منحصربودن ایجاد مشارکت حداکثری در روش تحریک فکر؛ علت طرح مسائلی از سنخ سؤال و پرسش به عنوان ارکان قرارگاه

من برای اینکه نقشه قرارگاه تعارف را تکمیل کنم لازم است مقدمه‌ای را عرض کنم و سپس آن مطلب تکمیلی را خدمت شما ارائه خواهم کرد. آن مقدمه این است که ما برای مسئله‌ای که از سنخ سؤال و پرسش است، از تعبیر ارکان استفاده کرده‌ایم. اما کسانی که در کارهای برنامه‌ریزی و نهادی هستند وقتی کلمه ارکان را استفاده می‌کنند به این سمت می‌روند که ارکان را به عنوان یک‌سری ساختار، معاونت و نهاد معرفی کنند؛ مثلاً می‌گویند ارکان جمهوری اسلامی چیست؟ و در جواب می‌گویند ارکان، قوای سه‌گانه است و در بالای این ارکان، نهاد ولایت فقیه قرار دارد و نیز ارکان دیگر مثل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیروهای مسلح نیز در رکن‌های پایین‌تر قرار دارند. به عنوان مثال در همین قرارگاه پیشرفت و آبادانی^{۱۴} که همه ما با آن آشنا هستیم، اگر گفته شود که ارکان ستاد پیشرفت و آبادانی کشور چیست؟ گفته می‌شود که این ستاد یک رئیس و ۵ معاونت دارد و اصطلاحاً به این‌ها ارکان ستاد پیشرفت و آبادانی می‌گوییم. هرجایی که کلمه ارکان را استفاده می‌کنند در واقع یک‌سری ساختارها و معاونت‌ها و نهادها را به عنوان مصداق رکن معرفی می‌کنند. خوب! ما در مباحثات خودمان یک خرق عادت کرده‌ایم و گفته‌ایم که ارکان قرارگاه تعارف اساساً از سنخ انسان و نهاد و معاونت نیست بلکه از سنخ فکر و پرسش و سؤال است یعنی در واقع در مفهوم رکن و ارکان تصرف کرده‌ایم؛ رکن و ارکان به آن چیزی می‌گویند که انسان به آن تکیه می‌کند و کار خود را جلو می‌برد مثلاً جمهوری اسلامی برای اینکه کشور را اداره کند به مجلس شورای اسلامی تکیه می‌کند و نیز به قوه قضائیه و نیروهای مسلح خود و غیره تکیه می‌کند. حالا ما آمده‌ایم و گفته‌ایم که اساساً رکن و تکیه‌گاه قرارگاه تعارف که در حال طراحی با نگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است، ۵ پرسش است که البته امروز می‌خواهیم آن ۵ پرسش را به ۶ پرسش ارتقا بدهیم. چرا رکن را از یک مفهوم نهادی به یک پرسش تغییر دادیم؟ شما وقتی نقشه را مشاهده می‌کنید، می‌بینید نوشته شده: «ارکان اصلی قرارگاه تعارف» و به خلاف سایر قرارگاه‌ها نیامدیم معاونت تعریف کنیم؛ نیامدیم ابتدا یک ساختمان برای قرارگاه بگیریم سپس یک مسئول منصوب کنیم و بعد بگوییم فلان معاونت، رکن مجموعه ماست. ما از این عبور کرده‌ایم.

چرا این کار را کردیم؟ دلیلش این است که مادر همه امکانات برای سازمان‌دهی، تحریک فکر است؛ یعنی اگر کسی بخواهد سازمان‌دهی کند یا به تعبیر روایات، امام را نصرت کند^{۱۵} و یا به تعبیر آیه شریفه بخواهد «تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبُرِّ وَالَّتَّقْوَى»^{۱۶} کند یا به

تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، ص ۲۴

۱۴. قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه پاسداران طی ابلاغیه سردار محمدعلی جعفری در سال ۱۳۹۵ تأسیس شد. به گفته مسئول روابط عمومی کل و سخنگوی سپاه وقت، این اقدام در راستای تحقق تدابیر و فرامین مقام رهبری در امر سازندگی، عمران، آبادانی، خدمت‌رسانی و محرومیت زدایی در مناطق دورافتاده و محروم کشور و نیز برقراری امنیت پایدار مردمی، بسترسازی خدمت‌رسانی بیشتر نظام و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های استان‌ها صورت گرفت.

خبرگزاری فارس: yon.ir/vcYn

۱۵. ثُمَّ قَالَ وَرَوَى بِأَسَانِيدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَالْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ...

تعبیر امروزی - اگر بخواهیم مسامحه کنیم - بخواهد مشارکت و سازمان‌دهی ایجاد کند، در صورتی که بتواند فقط و فقط تحریک فکر کند همه امکانات دیگر مشارکت را می‌تواند از پایگاه تحریک فکر به دست بیاورد.^{۱۷}

۱/۱/۳/۱/۱. تأمین بهتر نیروی انسانی و هزینه‌های مادی با روش تحریک فکر

مثلاً می‌گویید اگر کسی بخواهد یک کاری را در کشور به جلو ببرد - مثل مسئله محرومیت‌زدایی که ما در حال انجام آن هستیم - نیاز به نیروی انسانی دارد. من اینجا جواب می‌دهم مگر شما نیروی انسانی را با ابزاری بهتر از تحریک فکر می‌توانید جذب کنید؟ نیروی انسانی را گاه با پرداخت حقوق می‌توان جذب کرد، گاه می‌شود فکر او را درگیر کرد و او را در اختیار یک فکر و راه قرار داد. طبیعی است که ماندگاری این مدل بیشتر است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «... و دانش از آن به همه بلاد منتشر گردد در مشرق و مغرب و حجت خدا بر مردم تمام شود تا کسی در روی زمین نماند که علم و دین بدو نرسد. سپس قائم علیه السلام ظهور کند...»

بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۵۷، ص ۲۱۳

از این روایت شریف برمی‌آید که علوم اهل بیت علیهم السلام به اقصی نقاط دنیا منتقل می‌شود و این «تعلیم علوم اهل بیت علیهم السلام» به حدی خواهد بود که «اتمام حجت بر خلق» انجام شود، این مسئله لامحاله همراه با «تحریک فکر» است و الا تعلیم علم بدون تحریک فکر مخاطب قابل‌تصور نیست.

۱۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوْا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقُلُوبَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاؤُكُمْ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ای مؤمنان! [هتک حرمت] شاعران الهی [چون مناسک حج] را بر خود مباح شمارید! و [نیز شکستن حرمت] ماه‌های حرام، قربانی بی‌نشان، قربانی نشان‌دار، و راهبان به سوی بیت‌الحرام را که خواهان احسان خشنودی پروردگارشان هستند [بر خود روا مدارید]! چون از احرام درآمدید [در صورت تمایل می‌توانید] شکار کنید و کینه‌توزی با گروهی که شما را از ورود به مسجد الحرام بازداشتند و ادارتان نکنند که به آنان ستم کنید [و حقوقشان را پایمال سازید]. و یکدیگر را بر [انجام] کارهای نیک و اطاعت از حق و ترک محرمات یاری کنید. و بر گناه و تجاوز [از حدود الهی] به یکدیگر کمک ندهید! و به فرمان بردن از خدا و اجتناب از محرماتش گردن نهید که خداوند سخت کیفر است. [ترجمه حسین انصاریان]

سوره مبارکه مائده، آیه ۲

۱۷. برای ایجاد مشارکت چندین فرض قابل تصور است؛ ساختار جبری (ولو به اسم ابلاغیه و ...)، ساختار مرید و مرادی و ساختار «تحریک فکر». با توجه به آیه شریفه لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۵۶) اگر رشد از غی تبیین شود، هیچ اجباری در دین نخواهد بود، زیرا در این صورت شخص تعالیم شریعت مقدس را موافق فطرت خود می‌یابد. در این آیه شریفه روش «جبری» رد می‌شود و از طرفی تجربه انسانی به طور واضح ناکارآمدی شیوه جبر را نشان داده است. از طرفی بنابر روایت شریف زیر شیوه «مرید و مرادی» راهکار مناسبی برای این مسئله نیست. بنابراین تنها راه ایجاد تعاون در میان انسان‌ها «تحریک فکر» است که در بسیاری از آیات و روایات دیگر که بعضی در همین جزوه هم آمده است، تبیین شده است.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَىٰ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَقِيلَةَ الصِّرَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا كُرَّامٌ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِيَاكَ وَ الرَّئِيسَةَ وَ إِيَاكَ أَنْ تَطَّأَ أَعْقَابَ الرَّجَالِ قَالَ فُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمَا الرَّئِيسَةُ فَقَدْ عَرَفْتَهَا وَ أَمَا أَنْ أَطَّأَ أَعْقَابَ الرَّجَالِ فَمَا تُثَلِّتَا مَا فِي يَدِي إِلَّا مِمَّا وَطِئْتُ أَعْقَابَ الرَّجَالِ فَقَالَ لِي لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِيَاكَ أَنْ تَنْصَبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتَصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ»

ابو حمزه ثمالی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پرهیز از ریاست و پرهیز از اینکه دنبال مردم روی، عرضکردم: قربانت گردم ریاست را فهمیدم و اما اینکه دنبال مردم روم، که من دو سوم آنچه دارم (از احادیث و اخبار شما) از دنبال مردم رفتنم بدست آمده؟؟ فرمود: چنان که تو فهمیدی نیست مقصود اینست که پرهیز از اینکه مردی را بدون دلیل [در برابر امام علیه السلام] به پیشوائی برگزینی و هر چه گوید تصدیقش کنی.

کافی ج ۲، ص ۲۹۸

[ممکن است بگویید] برای مسئله محرومیت‌زدایی نیاز به هزینه‌های مادی است! می‌گویم آیا با تحریک فکر نمی‌توان هزینه تحقق یک فکر را تأمین کرد؟ مثلاً حکم پر از حکمت وقف همین طور است؛ [در این حکم] مبتنی بر تحریک فکر راجع به عاقبت انسان‌ها تجمیع مال اتفاق می‌افتد. کسی که به این نتیجه می‌رسد که مالش را وقف کند علاقه دارد که بهره‌برداری از مال برای خودش ابدی باشد. وقتی به این مسئله فکر کند، به روش انجام آن نیز فکر می‌کند. [از طرفی] پیامبران برای این هدف، این روش یعنی وقف را پیشنهاد داده‌اند و می‌فرمایند مال خود را با یک شریطی وقف کن.^{۱۸} تا در نتیجه با اینکه شما از دنیا رفته‌اید ولی همچنان بهره‌برداری از مال شما برقرار و ثابت باشد؛ بنابراین در تفکر پیامبران هر آن چیزی که برای مشارکت و سازمان‌دهی و تعاون مورد نیاز است از پایگاه تحریک فکر به دست می‌آید. لذا به معنای واقعی کلمه شما می‌توانید بگویید ارکان یک مجموعه نه معاونت‌ها و ساختارها و ساختمان‌ها و افراد یک مجموعه، بلکه ارکان یک مجموعه تفکرات پایه یک مجموعه هستند که آن تفکرات پایه می‌تواند همه مایحتاج سازمان‌دهی را به تدریج در اختیار آن مجموعه قرار دهد. شما بر عکس این را هم بررسی کنید؛ فرض کنید شخص اول مملکت به فردی یک حکمی بدهد، بودجه و فرصت کافی هم در اختیارش قرار بگیرد و همه چیز داشته باشد، ولی طراحی و فکر نداشته باشد یا طراحی و فکرش ضعیف باشد. چه اتفاقی می‌افتد؟ اتفاقی که رخ می‌دهد این است که ما نمی‌توانیم از آن امکانات، زمان، افراد و اعتماد استفاده کنیم و مشکل را حل کنیم. لذا ساختار دائماً تغییر پیدا می‌کند و دائماً میان افراد یک ساختار اصطکاک و اختلاف ایجاد می‌شود و آن زمان مدیر برای اینکه صلح را برقرار گرداند باید مکرراً ورودهای مدیریتی کند تا اصطکاک‌ها را مدیریت کند. در حالی که اگر فقط و فقط مسئله تحریک فکر انجام شود، شما در اختلافات هم معیار پیدا می‌کنید؛ مثلاً اگر نفر اول از یک مجموعه با نفر دوم اختلاف پیدا کرده‌اند، [مشکلی نیست] هر دو به پای تابلو می‌روند و ادله خود را می‌گویند. هر کدام که ادله قوی‌تر داشت سلطان و تسلط بیشتری برای او ایجاد می‌شود. پس خواهش می‌کنم در این مسئله دقت کنید؛ ما به دلیل این مقدمه عرض کردیم که ارکان قرارگاه تعریف ۵ پرسش است که امروز آن را به ۶ پرسش ارتقا می‌دهیم. زیرا پرسش ابزار تحریک فکر است و تحریک فکر عامل تأمین همه نیازهای سازمان‌دهی و تعاون و مشارکت در جامعه است؛ بنابراین ما ارکان قرارگاه تعریف را با مدل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به ۶ پرسش تفسیر کرده‌ایم و اگر در گفتگوها و تضارب‌هایی که داریم مباحث جدیدی مطرح شود، می‌توانیم این پرسش‌های مادر را افزایش دهیم. من برای این که به پرسش ششم برسیم ابتدا پرسش‌های پنج‌گانه جلسه گذشته را به صورت بسیار مختصر توضیح می‌دهم و سپس پرسش ششم را مطرح می‌کنم.

۱/۱/۳/۲. تبعیت منطق تولید پرسش‌ها از نه باب «فقه‌البیان»

یک نکته را بگوییم؛ ممکن است برای کسی این سؤال پیش بیاید که چرا ۵ یا ۶ پرسش مطرح شده است؟ چرا ۲ پرسش نباشد؟ در واقع سؤال پرسد که مدل تولید پرسش در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست؟ عرض می‌کنیم که منطق و مدل تولید پرسش ما تابع امور نه‌گانه‌ای است که در فقه‌البیان^{۱۹} مطرح کرده‌ایم^{۲۰} یعنی یک منطق بالاتری برای آن در فقه‌البیان وجود دارد؛

۱۸. برای مثال واقف باید بالغ، عاقل، آزاد و مختار بوده و از تصرف در اموال خود منع نشده باشد.

العروة الوثقی ج ۶ ص ۳۱۲

۱۹. مباحثات فقه‌البیان تحلیل استظهاری و فقهی تخاطب است که حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری در دوره اول این مباحثات در مدرسه چهارباغ اصفهان در ۹ جلسه بخشی از ساختار استنباطی خود در موضوع فقه‌البیان را تشریح کرده‌اند. پیشخوان جلسات این مباحث در سایت نقشه راه موجود است.

لینک دانلود پیشخوان جلسات فقه‌البیان از پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه: yon.ir/wzWNI

یکی از آن امور نه‌گانه مسئله ظرفیت است؛ ما همیشه ظرفیت سنجی می‌کنیم و بعد پرسش‌هایی را مطرح می‌کنیم. مثلاً در یک جمعی که سابقه و تجربه محرومیت‌زدایی ندارند و تازه می‌خواهند کار را شروع کنند، شما نمی‌توانید ۱۰ پرسش را مطرح کنید. زیرا آن‌ها اصلاً با مسئله‌آشنایی ندارند. شما باید مثلاً با دو پرسش کارتان را شروع کنید تا در آن‌ها تأمل اولیه ایجاد شود. در دوره‌های اخیر یعنی بعد از ابلاغیه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای درباره سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت^{۲۱} داشتند^{۲۲} به مجلس رفتیم و با یکی از نمایندگان محترم درباره سرنوشت سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مذاکره‌ای انجام دادیم^{۲۳} بعد از آن مذاکره نقشه‌ای تنظیم کردم که به دلایلی برای عملیاتی شدن آن اقدام نکردم ولی آن را منتشر کردم.^{۲۴} در آن نقشه نحوه بررسی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و در یک معنای بهتر، نحوه اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مجلس شورای اسلامی را تعریف کردیم. همان‌طور که این نقشه‌ای که الآن در مقابل شماست نحوه محرومیت‌زدایی را تعریف می‌کند، آن نقشه نیز نحوه تقنین مبتنی بر الگوی پیشرفت را تعریف می‌کند. اگر آن نقشه را بررسی کنید می‌بینید که شامل دو سؤال است درحالی‌که این نقشه‌ای که الآن برای قرارگاه تعریف می‌نویسیم شامل شش سؤال است؛ چرا آنجا دو سال مطرح کردیم؟ زیرا نمایندگان مجلس به دلیل ظرفیتی که دارند و به دلایل مختلف، فضای تئوریک جمهوری اسلامی را زیاد درک نمی‌کنند؛ یعنی درک تمدنی از انقلاب اسلامی ندارند و درکشان بیشتر یک درک حقوقی است و بیشتر به دنبال اجرای ابلاغیه‌ها هستند. وقتی پیش‌فرض‌های تمدنی برای نمایندگان مجلس هنوز جا نیفتاده است، نمی‌توانید بحث‌های عمیق را آنجا بگویید! صحبت در مورد مدیریت هدایت بنیان در مجلس شورای اسلامی از همه‌جا سخت‌تر است زیرا پیش‌فرض نمایندگان این است که برای مدیریت جامعه باید قانون وضع کرد و قانون هم یعنی جبر. درحالی‌که ما معتقدیم که پیامبران برای اداره جامعه‌شان هدایت جامعه را اصل قرار می‌دادند و این مدل قانون‌گذاری که ما از آن استفاده می‌کنیم از غرب به ایران انتقال یافته است. البته به برکت فعالیت‌های آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و بعد هم مجاهدت‌هایی که آیت‌الله کاشانی و سایر بزرگان انجام دادند و در دوران انقلاب اسلامی به برکت شورای محترم نگهبان، ما اداره جامعه به محوریت قانون را به شرع تخصیص زدیم.^{۲۵} اما هنوز

۲۰. فقه البیان ۹ باب بحثی است که در مجموع قواعد تخاطب منجر به هدایت (قواعد نظام‌سازی اسلامی) را تبیین می‌کند. قواعدی همچون بیان مبتنی بر ظرفیت (قدر)، بیان مبتنی تأمل، بیان مبتنی بر مُکث، بیان مبتنی بر نظام مقایسه، بیان مبتنی بر رفق، بیان مبتنی بر منزلت و بیان مبتنی بر انفتاح.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه: yon.ir/cfa82G

۲۱. سند الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت در ۵ بخش تدوین شده که شامل موارد ذیل است: مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر. قرار است این سند چهارچوب عمل در نیم قرن آینده جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کند.

لینک دانلود سند الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت: yon.ir/vbq44

۲۲. فراخوان رهبری برای تکمیل سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۷ صورت گرفت که در ضمن آن از تمام نهادها و اقشار جامعه درخواست شد تا ظرف مدت دو سال سند ارتقا یافته، به تصویب رسیده و ابلاغ شود تا پنجاه سال آینده کشور براساس این ابلاغیه پیش رود.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: yon.ir/dLaBu

۲۳. اشاره دارد به دیدار و گفتگو با آقای حسین علی حاجی نماینده محترم مردم شاهین‌شهر درباره نقش مجلس در تدوین الگوی پیشرفت اسلامی که در تاریخ یکشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۷ در مجلس شورای اسلامی انجام شد.

لینک خبر جلسه با آقای حاجی، نماینده محترم مردم شاهین‌شهر ۴/۴۷/۴ eitaa.com/olgou

۲۴. برنامه نظام مقایسه الگوی پیشرفت اسلامی در مجلس شورای اسلامی / مصوب مهر ماه ۱۳۹۷.

لینک دانلود نمودار مذکور ۴/۴۲/۴ eitaa.com/olgou

۲۵. وی [شیخ فضل‌الله نوری] در نیمه دوم ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ ه. ق اصل دوم متمم قانون اساسی را که خود تهیه کرده بود و به موجب آن حضور علمای طراز اول در مجلس با حق و توپیش‌بینی شده بود را به امضای جمعی از علما رساند و این اصل در قانون اساسی ظاهر شد.

تعریف ما از قانون همان تعریف غربی است، خود حقوقدان‌ها می‌گویند قانون یعنی جبر.^{۲۶} چگونه می‌خواهید جامعه‌ی پراز اختیار را به محوریت جبر اداره کنید؟ این تفکر با تفکر انبیاء فاصله بسیار زیادی دارد! ما در الگوی تقنین اسلامی تفاوت میان قانون مبتنی بر هدایت با قانون مبتنی بر جبر را بحث کردیم و یک مدل قانون‌گذاری پیشنهاد داده‌ایم. فرض کنید با تمام این مناقشات بنده بخواهم به عنوان کارشناس به مجلس بروم، کار در آنجا خیلی سخت است زیرا پیش‌فرض آن‌ها این است که می‌خواهند برای همه چیز قانون بگذارند! حتی وقتی می‌خواهند ساعت کشور را جابه‌جا کنند قانون می‌گذارند! خودشان را در همه امور زندگی متصرف می‌دانند. بیش از صد و ده سال است که مجلس قانون‌گذاری می‌کند^{۲۸} لذا در ابتدا دو سؤال مطرح می‌کنیم تا بتوانیم تحریک فکر مجلس را یک قدم به جلو ببریم و وقتی کار جلوتر رفت سؤالات را عمیق‌تر می‌کنیم. پس اصل اول طراحی سؤال، اصل ظرفیت است. شما به من بگویید ظرفیت طرف مقابل چیست تا من هم بگویم تحریک فکر را از کجا شروع کنید. بین ظرفیت و قدر و تحریک فکر، یک ارتباط منطقی وجود دارد؛ لذا فرق پیامبران با فلاسفه در همین است. پیامبران می‌گویند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»^{۲۹} آن‌ها مطابق با قدر عقل مردم با آن‌ها وارد بحث می‌شوند؛ حال آنکه در مبنای فلاسفه تنها یک نوع بحث وجود دارد و مثلاً اگر بخواهید خدا را اثبات کنید، چند برهان بیشتر وجود ندارد، مانند برهان صدیقین،^{۳۰} برهان نظم^{۳۱} و غیره. این فرآیند ساعت‌ها طول می‌کشد تا تفاهم کنید. برای نمونه در برهان صدیقین که تردّد بین وجود و امکان را بررسی می‌کند و به یک نحوی و با یک سری مقدماتی، ممکن‌الوجود را وابسته به واجب‌الوجود می‌داند و یک اثبات کوچکی در مسئله توحید رخ می‌دهد. دلیل ناقص بودن این «اثبات» نیز این است

تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۱۱۳

اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها شورایی به نام شورای نگهبان تشکیل می‌شود.

۲۶. افراد سعادت را که می‌شناسند نمی‌خواهند و ملت سعادت را که نمی‌شناسد می‌خواهد. هر دوی آن‌ها احتیاج به راهنما دارند. باید افراد را مجبور ساخت که اراده و میل خود را با عقل وفق دهند. باید به ملت آموخت که آنچه را می‌خواهد بشناسد. در آن موقع است که فکر و ذهن عموم روشن می‌شود و در هیئت اجتماعی، عقل با اراده متحد می‌گردد. آنگاه تمام اجزاء جامعه به خوبی به هم کمک می‌کنند و جامعه نیروی بیشتری به دست می‌آورد. لزوم یک قانون‌گذاری در اینجا معلوم می‌گردد.

قرارداد اجتماعی (ژان ژاک روسو)، ص ۴۷

۲۷. قانون تغییر ساعت رسمی کشور؛ مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۳۱

ماده واحد - ساعت رسمی کشور هر سال در ساعت ۲۴ روز اول فروردین ماه یک ساعت به جلو کشیده می‌شود و در ساعت ۲۴ روز سی‌ام شهریورماه به حال سابق برگردانده می‌شود.

سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/yOwa8

۲۸. اولین جلسه مجلس شورای ملی پس از پیروزی انقلاب مشروطه در مهرماه سال ۱۲۸۵ برگزار و کار قانون‌گذاری مدرن از آن تاریخ در ایران شروع شد.

۲۹. جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ قَطُّ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: «هیچ‌گاه پیغمبر صلى الله عليه وآله با مردم از عمق عقل خویش سخن نگفت؛ بلکه می‌فرمود ما گروه پیغمبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل خودشان سخن گوئیم.» [ترجمه مصطفوی]

کافی، ج ۱، ص ۲۳

۳۰. برای شناخت برهان امکان و وجوب (برهان صدیقین سینوی) ر.ک کشف‌المراد، ص ۲۸۰ / برای شناخت برهان صدیقین صدرایی ر.ک الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه، ج ۶، ص ۱۲.

۳۱. برای آشنایی با برهان نظم در اثبات وجود خدای متعال ر.ک به «تبيين براهین اثبات خدا»، فصل هشتم / ر.ک «المحاضرات فی الالهیات»، ص ۲۱.

که نه اسمی از خدا را معرفی می‌کند و نه مخلوقات خدا را معرفی می‌کند و تنها اصل وجود خدا را معرفی می‌کند که فلاسفه اسم آن را واجب‌الوجود می‌گذارند. حال شما بروید با مردم صحبت کنید که من شما را دعوت می‌کنم به پرستش واجب‌الوجود! خب وقتی خدا را به این شکل گنگ معرفی می‌کنید، هیچ انگیزه‌ای برای پرستش پیدا نمی‌شود! خدا را باید با اسم رحمن و رحیم و اسماء او معرفی کرد؛ وقتی خدا را غلط معرفی می‌کنید، چه طور انتظار دارید تبعیت اتفاق بیافتد؟ از نقد فلاسفه عبور کنیم. غرض این بود که فلاسفه نمی‌توانند با ظرفیت‌های متفاوت وارد بحث شوند. در حالی که وقتی شما تفکرات پیامبران را بررسی می‌کنید، می‌بینید خدا را با هزار اسم یا بیش از آن معرفی می‌کنند و هر اسم هم در جایی مورد استفاده است. به مناسبت این بحث یادی از مولانا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام کنیم؛ نقل می‌کنند بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمعی از یهودیان که قصد شیطنت داشتند به مدینه آمده بودند و راجع به وصی پیامبر خاتم عَلَيْهِ السَّلَام تفحص می‌کردند و نزد خلیفه اول رفتند و سؤالاتی پرسیدند و از جمله سؤالاتشان این بود که «خدا چیست؟ خدا کجاست؟» خلیفه اول جواب داد: «فوق سماوات السبع» جوابش این بود که خدا بالای آسمان‌های هفت‌گانه است. این‌ها اقناع نشدند و سؤالات دیگری هم مطرح کردند و اقناع نشدند. به هر حال در نقل تاریخی این‌طوری هست که خلیفه اول هم آن‌ها را شماتت کرد که چرا اقناع نشدید! و آن‌ها را به خلیفه دوم ارجاع داد. خلیفه دوم هم که مقابل سؤالات قرار گرفت، پاسخ‌هایی داد و در پاسخ به آن سؤال، جواب خلیفه اول را تکرار کرد که «اللَّهُ فَوْقَ سَمَاوَاتِ السَّبْعِ» است. به هر حال این‌ها اقناع نشدند و گفتند امکان ندارد که چنین کسی با چنین وزنی از پاسخ دادن، خلیفه بلافضل و به تعبیر صحیح‌تر وصی پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد؛ به هر حال به محضر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام راهنمایی شدند و آن‌ها که سؤال را مطرح کردند، به این سؤال رسیدند که «خدا کیست؟» حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پاسخ دادند: خدا کسی است که گفتگوهای مخفی شما را خبر دارد و می‌شنود؛ یعنی ایشان بر روی همان فعلی که یهود خیلی در آن استاد است، ایستادند! یهودیان جلسه می‌گذارند و علیه پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام توطئه می‌کنند! حضرت وقتی خواستند خدا را معرفی کنند، به وصف «سامعیت حق تعالی» نسبت به جلسات مخفی استناد کردند! یعنی چه؟ یعنی دقیقاً مطابق حال آن‌ها، خدا را معرفی کرد! یعنی یک توصیف کلی ندادند و نگفتند خدا واجب‌الوجود است! بلکه گفتند خدا کسی است که از جلسات مخفی شما خبر دارد و بعد هم تأثیرات عمیقی در آن طایفه گذاشتند و بعضی از آن‌ها هم مؤمن شدند.^{۳۲}

غرض این است که وقتی شما می‌خواهید خدا را معرفی کنید یا در هر موضوع دیگر که بحث می‌کنید، باید ظرفیت و قدر طرف مقابل را در نظر بگیرید و وارد بحث شوید! پس مبنای طراحی سؤالات ما در قرارگاه هم این است؛ مثلاً اگر من با عده‌ای مواجه شوم که هیچ سابقه محرومیت‌زدایی با نگاه دینی ندارند، یا همه بر مبنای نظریه «توانمندسازی و کاهش فقر» سازمان ملل می‌خواهند محرومیت‌زدایی کنند تنها یک سؤال از ایشان می‌پرسم و می‌گویم: محرومیت چیست؟ چرا این سؤال را می‌پرسم؟ چون درک آن‌ها از محرومیت غلط است. من سؤال «محرومیت چیست» را می‌پرسم تا زمینه ایجاد شود و درک او از محرومیت ارتقا یابد ولی اگر حس کنم مخاطب من به مفهوم محرومیت با نگاه فقهی مسلط است و یا به صورت نسبی قبول دارد که محرومیت دارای ابعاد متعددی است، همین سؤال اول را و هم سؤالات دیگر را مطرح می‌کنم. پس مبنای زایش سؤال، فقه‌البيان است؛ فقه‌البيان نیز نه قاعده دارد و بر اساس هر نه قاعده باید سؤال تولید شود و قاعده اول نیز این است که ظرفیت و قدر مخاطب را شناسایی کنید و متناسب با ظرفیت و قدر وی، پرسش طراحی کنید تا قرارگاه شکل بگیرد. حال ما مبتنی بر این مقدمه، پنج سؤال را در گذشته مطرح کردیم. بنده در بین دوستان «قرارگاه پیشرفت و آبادانی کشور»، که جناب

۳۲. جهت مشاهده این روایت طولانی؛ ر.ک کتاب التوحید (للصدوق)، ص ۱۸۰.

آقای ابراهیم‌پور مسئولشان هستند، چند سِمَت دارم. یکی اینکه بنده مشاور منتقد همه دوستان هستم؛ یعنی این را از بنده قبول دارند که هم مشورت به ایشان بدهم و هم از آن‌ها انتقاد کنم و به طور مکرر با دوستان چه در سطح ملی و چه در سطح استانی و چه در شهر مقدس قم، با افراد مختلفی جلسه داشتم و فکر می‌کنم تعارف خوبی در طول سال‌های گذشته راجع به دوستان فعال در این قرارگاه برای بنده پیدا شده است. همچنین ما غیر از ستاد پیشرفت و آبادانی کشور، با دوستان کمیته امداد هم جلساتی داشتیم و آن‌ها و فعالیت‌ها و آثار علمی‌شان را هم بررسی و مرور کردیم.^{۳۳} همچنین با مرکز هدایت و پشتیبانی فکری حرکت‌های جهادی هم مرتبط بودیم و با بعضی از دوستانشان جلسه داشتیم و گفتگو کردیم و با بسیاری از فعالین حوزه محرومیت‌زدایی در کشور وارد مراوده شدیم.

۲. رکن اول قرارگاه: چگونه حسن‌الاستماع را در قرارگاه تعارف ارتقا دهیم؟

مجموع این شناسایی‌ها و بررسی‌هایی که داشتم، بنده را به این نتیجه رساند که ما ۶ مشکل و مسئله در ظرفیت نیروهای فعلی محرومیت‌زدایی داریم که ابتدا باید این‌ها را حل کنیم.

۲/۱. فقدان مراوده علمی و گفتگوی دائمی بین فعالین محرومیت‌زدایی؛ علت طرح سؤال اول

مشکل اول این است که بین فعالین محرومیت‌زدایی در کشور، مراوده علمی و گفتگوی دائمی وجود ندارد؛ لذا نمی‌توانند تجربیات خود را به یکدیگر ارائه دهند؛ بنابراین به دلیل اینکه [لازم است] این مراوده را ایجاد کرده و این ضعف را برطرف بکنیم سؤال پرسیده‌ایم که چگونه حسن‌الاستماع را در قرارگاه تعارف ارتقا دهیم؟ هر کس که به قرارگاه تعارف وارد می‌شود و قصد دارد در محرومیت‌زدایی با نظریه تعارف کار کند باید حسن‌الاستماع خوبی داشته باشد. هیچ اشکالی ندارد که بنده نوعی که در جلسه نشست‌ها و خودم را کارکرده در این حوزه می‌دانم جلساتی طراحی کنم و نقدهای دیگران به خودم، تئوری‌ام و تعریفم را بشنوم. این باید برای تک‌تک افراد قرارگاه تعارف اتفاق بیافتد؛ یعنی همه باید دارای حسن‌الاستماع بشوند؛ بنابراین رکن اول این است که چگونه حسن‌الاستماع را ارتقاء دهیم؟ پیشنهاد می‌کنم این سؤال را در جمع‌های خودتان مطرح کنید. چون اگر حسن‌الاستماع به دست بیاید، شما علم و عقل دیگران را به علم و عقل خود اضافه کرده‌اید. پس خطای کمتری مرتکب می‌شوید پس طراحی‌ها قوی‌تری را در اختیار مردم جمهوری اسلامی قرار می‌دهید.^{۳۴}

۳. رکن دوم قرارگاه: شکل اقامه نظر به تعارف چگونه است؟

توضیح سؤال دوم این است که ما در قرارگاه تعارف مبتنی بر «نظریه تعارف» طراحی می‌کنیم.

۳۳. این جلسه با عنوان «ریشه‌یابی عوامل محرومیت‌زا و تبیین اثر پردازش زیرساخت‌های هدایت بر روی محرومیت‌زدایی» در تاریخ ۱۱ شهریورماه سال ۱۳۹۶ در سالن اجتماعات مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ع) تهران برگزار شد.

۳۴. وَ رَوَى يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ الْأَشْتَهَارُ بِالْعِبَادَةِ رَيْبَةٌ إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: ... وَأَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ ...

رسول خدا ﷺ فرمود: «اعلم مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند.»

۳/۱. تفاوت شکل اجرای نظریات پوزیتیویستی با نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی؛ علت طرح سؤال دوم

شکل اجرای نظریه تعارف و نظریات بخشی دیگر مطرح در اولین نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی^{۳۵} با شکل اجرای نظریات پوزیتیویستی و شکل اجرایی مرسوم درباره برنامه‌ریزی‌های موجود متفاوت است. روی شکل اجرا بسیار حساس هستیم. معتقد هستیم اگر شکل اجرای بهترین نظریه غلط باشد، شکست خواهد خورد.

۳/۲. مدیریت خبر، تضارب، مکتوبات و نمونه‌سازی؛ چهار بخش از مباحثات مطرح درباره شکل اجرای نظریات الگوی پیشرفت اسلامی

لذا بعد از احیای مسئله حسن‌الاستماع مهم‌ترین موضوع را شکل اجرای نظریه تعارف می‌دانیم که در مباحثات گفته‌ایم که شکل اجرای ما چهار بخش دارد؛ شامل مدیریت خبر، مدیریت تضارب، مدیریت مکتوبات و مدیریت نمونه‌سازی که بعداً شرح خواهم داد. دوباره از باب اینکه کلام به اینجا کشیده شد عرض می‌کنم که ما در حال حاضر در قرآن و روایاتمان مطالب عمیق و ناب بسیاری داریم ولی چون شکل بیان آن‌ها درست نیست، ما متهم به این هستیم که حرف‌های ۱۴۰۰ سال پیش را مطرح می‌کنیم و این اشکال به ماده حدیث بر نمی‌گردد بلکه به راوی و بیان‌کننده حدیث بر می‌گردد. زمانی که راوی حدیث درایه نمی‌کند، نمی‌تواند برتری فکر امام عَلَيْهِ السَّلَام را نسبت به تفکرات پوزیتیویستی نشان بدهد لذا متهم می‌شویم. من همیشه در بین دوستان گفته‌ام که در روایت هست که مرز فقر، خرید آرد است. مهلک‌تر از خرید آرد، خرید نان است.^{۳۶} انسان یا باید گندم بخرد، آرد کند و نان بپزد یا از آن بهتر اینکه کشاورز باشد و خودش گندم بکارد و در نهایت نان بپزد. خرید نان و آرد برای شرایط اضطرار است. خب مجموعه‌ای از آیات و روایات این را بحث می‌کند ما فقط این‌ها را می‌خوانیم؛ اما اگر همین روایت را در سیمای جمهوری اسلامی ایران یا در نماز جمعه بخوانیم و به مردم بگوییم که علت فقر شما خرید نان است، فکر می‌کنید چه برخوردی داشته باشند؟ چه اتفاقی می‌افتد؟ اولین اتفاقی که می‌افتد این است که مردم می‌گویند که این برای زمانی بوده است که مردم کشاورزی می‌کردند و شغل اصلی آن زمان کشاورزی بوده است و در نهایت ما را به تاجر متهم می‌کنند. به این دلیل است که عرض می‌کنم شکل بیان مسئله مهمی است. تنها کاری که باید بکنید این است که در روایت درایه کنید. درایه کردن به چه معناست؟ یعنی سعی کنید درک شخصی از روایت پیدا بکنید. ببینید یک «معرفت» داریم، یک «درایه» داریم، یک «علم» داریم، یک «سلطان» داریم، تعابیر مختلف در حوزه علم داریم. زمانی که می‌گویند: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ

۳۵. در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی با نگاهی فقهی و غیر اقتباسی از الگوهای معیوب و ناکارآمد غربی به بیش از ۱۰۰ مسئله در حوزه‌های مختلف معیشتی، تربیتی، پیش‌گیری از جرم، قانون‌گذاری، سیاسی، معرفت‌شناسی، پولی و مالی، کشاورزی، طب، شاخص‌های ارزیابی جامعه، محرومیت‌زدائی، مدیریت شهری، برنامه‌ریزی، بودجه، ساخت‌یابی، الگوی تخصیص تکنولوژی، الگوی مطالعات تاریخی، الگوی جدید نگهبانی از نظام، الگوی تنظیم و تحلیل خبر و... پاسخ گفته‌ایم.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه: Nro-di.blog.ir

۳۶. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: شِرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الدَّقِيقِ يَشْفِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَتَقَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَاكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَقْعَلُ.

عباد بن حبيب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند که فرمود: «خرید گندم، فقر را از بین می‌برد و خرید آرد، تنگدستی می‌آورد و خرید نان، نابودکننده است. عباد گفت: خداوند تو را پایدار گرداند! هرکس قدرت بر خرید گندم ندارد، چه کند؟ امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: آن درباره کسی است که قدرت دارد و انجام نمی‌دهد.

حدیث ترویبه^{۳۷}) یعنی حدیث را به وضعیت شخص نزدیک کن و کاری انجام بده که مخاطب حدیث، از حدیث درک پیدا بکند. آن وقت اگر درباره یک حدیث این گونه عمل کردید بهتر از هزار حدیث است که فقط خوانده شود. دوباره مسئله فرعی لازمی را که مرتبط با بحثمان است، عرض می‌کنم؛ در حال حاضر نهضت نهج البلاغه خوانی در کشور راه افتاده است همه دوستان هم جسته و گریخته یا به عنوان عضو فعال در این نهضت حضور دارند. خب ما همیشه یک اشکالی مطرح کرده‌ایم و آن این است که باید در نهج البلاغه درایه ایجاد کرد. اگر هم می‌گویید به عنوان مقدمه، ترجمه می‌کنیم این کار باید به درایه ختم شود. اگر به درایه ختم نشود، مردم فکر می‌کنند مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام مثلاً در یک جنگی به نام صفین^{۳۸} یک بحث‌هایی را مطرح کرده است و برای آن زمان بوده است و اکنون کاربردی ندارد. لذا درایه کردن یک روش است. امام علیه السلام می‌فرماید: «حدیث تدریه» یعنی حدیثی که با روش درایه با آن برخورد می‌کنید. از هزار حدیثی که آن را بخوانید و روایت کنید بهتر است؛ بنابراین ما هم در اجرای نظریه تعریف شکل خاصی - که منجر به درایه می‌شود- را مبنا قرار داده‌ایم. ما با این مکانیزم چرخه تحریک فکر چهاربخشی نزدیک‌ترین اتفاق را در فرایند فهم برای فرد تعریف کرده‌ایم؛ یعنی لازم نیست کسی دو سال با ما همراه باشد تا نظریه تعریف را بفهمد، تنها کافی است شش ماه در چرخه تحریک فکر کار بکند. این شش ماه را مقایسه کنید با مدت‌زمانی که حوزه یا دانشگاه پیشنهاد می‌کند. اگر هر چهار بخش چرخه تحریک فکر مبنای عمل قرار بگیرد که یکی از آن بخش‌ها - که در عرایض مقدماتی خود عرض کردم- کتابت بود، شما در حدود شش ماه بر نظریه تعریف - که جزء ۳ الی ۴ نظریه تفصیلی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است- مسلط خواهید شد. با اینکه حجم مباحثات نظریه تعریف بالا است ولی شکل اجرای آن، ضامن انتقال این سطح از مباحثات به قلوب شما و ایجاد درک در قلوب شما است؛ بنابراین مسئله شکل اجرا مهم است. هر تصمیمی در قرارگاه تعریف که ناقض یکی از قسمت‌های چرخه تحریک فکر بشود، تصمیم غلطی است ولو اینکه ماده و محتوای آن درست باشد ولی خلاف مدیریت خبر یا مدیریت تضارب یا مدیریت کتابت یا مدیریت نمونه‌سازی باشد. پس در نهایت باید جلوی چنین تصمیمی گرفته شود و با اولویت‌ترین شخص که جلوی آن را باید بگیرد مسئول مجموعه است. مسئول مجموعه نباید ارزیابی برنامه‌ها را فقط به محوریت محتوا انجام بدهد. محتوا بسیار مهم است ولی از مهم‌تر از محتوا ظرف انتقال محتوا و ابزار انتقال محتوا به قلوب است. آن ابزار است که باعث می‌شود آن محتوا از قلوب شما به قلوب

۳۷. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرَوِيهِ وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجِ.

ابراهیم کرخی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «یک حدیث را اگر کاملاً فهمیده باشی، ارزشمندتر از هزار روایت است که (طوطی‌وار) آن را برای دیگران نقل کنی و نیز هیچ یک از شما در قوانین و احکام دین عالم نخواهند بود مگر آنکه مفهوم‌های گوناگون از سخن ما را دریافته باشد. یقیناً هر جمله‌ای از گفتار ما به هفتاد گونه تعبیر می‌گردد که راه خروج از هر یک از آن‌ها برای ما باز است.

معانی‌الأنباء، ص ۲

۳۸. جنگ صفین بین معاویه و یارانش (قاسطین) و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شکل گرفت. معاویه که از زمان دوخلیفه قبل حاکم شام بود، انتظار داشت بعد از قتل عثمان هم چنان حاکم باقی بماند؛ لذا به حقه و عوام‌فریبی و با بهانه قتل عثمان خود را برای جنگ با حضرت علی علیه السلام آماده کرد. در جنگ صفین با اینکه معاویه خود را مغلوب می‌دید با مشورت عمروعاص به فتنه‌ای متمسک شد که توانست جریان جنگ را تغییر دهد؛ سربازان معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و از لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام هزاران نفر نزد حضرت آمدند و با این بهانه که دشمن حکمیت قرآن را پذیرفته است از حضرت خواستند حکمیت را بپذیرد. بعد از این رخداد قرار گذاشتند ابوموسی اشعری که به پیشنهاد برخی از یاران حضرت انتخاب شده بود با عمروعاص درباره حکم قرآن اظهار نظر کنند که عاقبت ابوموسی اشعری خلع خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را اعلام کرد و عمروعاص آن را به معاویه واگذاشت.

دیگران انتقال پیدا بکند؛ لذا ما بر این مبنا گفتیم که نظریه فراتسهیل‌گری نظریه خطرناکی است؛ چون در واقع نظریه فراتسهیل‌گری تعریف تعریف است و در واقع روش کشف مسئله است. چون این روش کشف مسئله عمدتاً به دلیل ملاحظات غیر بیانی و به دلیل عدم فهم الگوی تفصیل، غلط است. در صورت استفاده از آن در واقع شما از یک روش غلط برای کشف مسئله استفاده کرده‌اید؛ بنابراین آن چیزی که مهم است، این است که باید شکل اجرای نظریه درست باشد. ان‌شاء الله در بخش سؤال دوم شکل صحیح اجرای نظریه تعارف و همه نظریات فقهی را گزارش خواهیم داد. ضامن تحریک فکر چرخه چهارگانه تحریک فکر است. فکر از مدیریت خبر شروع و در تضارب، پخته می‌شود، با کتابت تثبیت و با عمل، زیاد می‌شود. «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَلِمَ مَا لَا يَعْلَمُ»^{۳۹} محال است خدای متعال علم شما را بدون اینکه وارد عرصه عمل بشوید زیاد بکند. افزایش علم و البته همه مناسک الهی در گرو شکر است.^{۴۰} هرکسی که می‌خواهد یک چیزی را در قلب خودش زیاد بکند باید شکر آن را به جا بیاورد^{۴۱} و قطعاً از مصادیق شکر، عمل است و شاید بتوانیم بگوییم مهم‌ترین مصداق یک شکر، عمل به یک حدیث یا آیه است^{۴۲} لذا نمونه‌سازی و عمل کردن هم جزء مناسک رشد و ارتقای فهم است.

۴. رکن سوم قرارگاه: فعالیت‌های محرومیت‌زدایی در کشور دارای چه آسیب‌هایی می‌باشد؟

خب سؤال سومی که در قرارگاه تعارف مطرح کردیم این است که: چون دوره آخرالزمان است [باید روی مسئله علم حساس باشیم]. این قید («چون دوره آخرالزمان است») خیلی مهم است؛

۴/۱. علم غلط و راهبری جوانان ناپخته در بین فعالین محرومیت‌زدا؛ علت طرح سؤال سوم

آن‌هایی که توفیق دارند و روایات آخرالزمان و فتنه‌های مربوط به آن^{۴۳} را مطالعه می‌کنند، متوجه می‌شوند که مشکل اصلی آخرالزمان علم غلط^{۴۴} و راهبری جوانان ناپخته است. شاید زمان امام عَلَيْهِ السَّلَام فهم این احادیث یک مقدار برای مخاطبین آن عصر

۳۹. قَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که عمل کند به آنچه علم به آن دارد، عالم می‌کند خدای تعالی او را به آنچه علم ندارد.»

بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۲۸

۴۰. وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ.

و [نیز گفت]: [پرووردگارتان مؤکداً اعلام کرد: چنانچه [نعمت‌هایم را] سپاس گزار باشید [آن را] بر شما می‌افزایم و در صورتی که دچار ناسپاسی شوید، [گرفتار عذاب محرومیت از نعمتم خواهید شد،] یقیناً عذاب من سخت است. [ترجمه حسین انصاریان]

سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۷

۴۱. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «علم نوری است که خداوند آن را در قلب هر که بخواهد، قرار می‌دهد.»

مصباح الشریعة، ص ۱۶ / منیة المرید، ص ۱۴۸ و ۱۶۷ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴ / مشکاة الأنوار، ص ۳۲۵

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «علم وابسته به آموختن نیست؛ بلکه آن نوری است که در قلب هر آنکس که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را خواهد، قرار می‌گیرد.»

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴

۴۲. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام شُكْرُ الْمُؤْمِنِ يَطْهَرُ فِي عَمَلِهِ.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «شکرگزاری مؤمن در عملش آشکار می‌شود.»

عیون الحکم و المواعظ، ج ۱، ص ۲۹۱ / غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۰۶

۴۳. ر. ک بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۸۱ (باب علامات ظهوره صلوات الله عليه من السفیانی و الدجال و غیر ذلك و فيه ذکر بعض أشرار الساعة).

امام سخت بوده باشد، اما الآن برای ما راحت است؛ گاهی وقت‌ها می‌بینیم یک جوانی کار ناپخته‌ای را انجام می‌دهد و از طریق همین شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، آن فکر را ترویج گسترده می‌دهد. این مشکل جدی است که این فکرهای ناپخته از طریق ابزارهای موجود، به صورت حداکثری گسترش پیدا می‌کنند. یا مثلاً پارتی‌بازی‌های زیادی در دوره آخرالزمان اتفاق می‌افتد - البته من به تعبیر امروزی به کار می‌برم اما روایت آن همان است که می‌فرماید انتخاب‌ها به غیر وصف اهلیت اتفاق می‌افتد^{۴۰} - پارتی‌بازی‌هایی که اتفاق می‌افتد این‌گونه است که به دلیل نسبت‌های فامیلی، یک نفر در یک حوزه‌ای منصوب می‌شود و چون در آنجا مدیر است، تفکر ناپخته خود را حاکم می‌کند؛ فلذا آخرالزمان پر از تئوری‌های غلط و علم غیر نافع است.

بنابراین باید بروید بررسی کنید که در فعالیت‌های مجموعه مؤمنین آیا آسیبی از ناحیه این افکار غلط اتفاق افتاده است یا خیر. اصطلاحاً سؤال سوم ما این است که «فعالیت‌های محرومیت‌زدایی در کشور دارای چه آسیب‌هایی است؟» آسیب عمده به اجرای نظریات غلط و ناپخته برمی‌گردد؛ فلذا این سؤال سوم به دلیل آنکه در آخرالزمان هستیم باید دائماً تکرار شود.

۴/۲. اطلاع‌یافتن از شیوع نظریه فراتسهیل‌گری در قرارگاه پیشرفت و آبادانی؛ از برکات طرح سؤال سوم

از برکات همین سؤال بود که متوجه شدیم نظریه فراتسهیل‌گری در قرارگاه پیشرفت و آبادانی شیوع پیدا کرده است و در یک قدم بالاتر و به کمک یکی از کارشناسان که تحقیقی را ارائه داد، متوجه شدیم که اساساً به نیابت از آمریکا، کشور ژاپن و آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن و ایران که موسوم به «جایکا»^{۴۱} است، در ایران ورود کرده است و دوره‌هایی را بر اساس نظریه فراتسهیل‌گری و سایر نظریات بین کارشناسان اصلی وزارتخانه‌های ما برقرار کرده است؛ یعنی ما گمان می‌کردیم تنها سند

۴۴. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدْمِيُّ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَدَمَ الشَّيْبَانِيُّ عَنْ أَبِيهِ أَدَمَ بْنِ أَبِي إِبَاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُبَارَكُ بْنُ فَصَّالَةَ عَنْ وَهْبِ بْنِ مُبَيُّو رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا عُرِّجَ بِي إِلَى رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَتَانِي التَّدَاءُ يَا مُحَمَّدُ فُلْتُ لَتَيْيَكُ رَبِّ الْعَظَمَةِ... فَقُلْتُ الْهَيْ وَ سَيْدِي مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَفَعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ...

ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود: «چون در معراج مرا به نزد پروردگارم جَلَّ جلاله بردند ندا آمد: ای محمد! گفتیم: لَتَيْيَكُ! ای پروردگار عظمت... گفتیم: الهی و سیدی! آن چه وقت خواهد بود؟ خدای تعالی وحی فرمود: آنگاه که علم برداشته شود و جهل آشکار گردد...»

کمال‌الدین و تمام‌النعمة ج ۱ ص ۲۵۱

۴۵. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مَعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ حَفْصٍ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ أَزْقَمَ عَنْ أَبِي سَيَّارِ الشَّيْبَانِيِّ عَنِ الصَّحَّاحِ بْنِ مَزَاحِمٍ عَنِ النَّزَّالِ بْنِ سَبْرَةَ قَالَ: حَطَبْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَقَالَ [صَعَصَعَةُ بْنُ صَبِيحَانَ] يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ عَلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا... وَ كَانَتْ الْأَمْرَاءُ فَجْرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظَلَمَةً وَ الْعُرَفَاءُ حَوْنَةً وَ الْقُرَاءُ فَسَقَةً... وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ.

روزی امیر مؤمنان علیه السلام خطبه می‌خواندند که صعصعة ایستاد و پرسید یا امیرالمؤمنین علیه السلام چه زمانی دجال خروج می‌کند؟ حضرت فرمود پس علامت آن زمان، این است که... و امیران فاجران‌اند و وزیران ستمکاران‌اند و معتمدین مردم خائن‌اند... و سرپرست قوم رذل‌ترین آن‌ها است»

کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۲۵ و ۵۲۶

۴۶. دولت ژاپن به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی در اوت ۱۹۷۴ بر اساس قانون همکاری‌های بین‌المللی، آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن (جایکا) را تأسیس نمود. به‌گفته آژانس جایکا، این آژانس درحال ارائه کمک به ایران با تمرکز بر موارد زیر است: ۱- تقویت صنایع داخلی (تقویت ایجاد شغل)، ۲- کاهش تفاوت‌های میان مناطق شهری و روستایی (ایجاد تولید محصولات کشاورزی پایدار برای افزایش درآمد کشاورزان)، ۳- حفاظت از محیط زیست (اقدامات حفاظت از محیط طبیعی، گرمایش جهانی و مدیریت آلودگی محیط زیست)، ۴- مدیریت منابع آب و ۵- مدیریت بحران (مدیریت آمادگی زلزله)

آدرس مطلب در سایت رسمی جایکا: yon.ir/AEJkq

۲۰۳۰^{۴۷} و آن‌هم از ناحیه امضایی که آقای رئیس‌جمهور انجام داده است، در کشور ما از طریق سازمان ملل دارد نفوذ فکری رخ می‌دهد، ولی به گزارشی که دوستان در حال تکمیل آن هستند، «جایکا» هم خودش یک مجرای نفوذ فکری در ایران است. این سؤال تنها اختصاص به این موضوع ندارد و همان‌طور که عرض کردم این رکن قرارگاه است؛ هر جا می‌رسید -حالا چه در کمیته امداد^{۴۸}، چه مرکز پشتیبانی فکری و هدایت حرکت‌های جهادی^{۴۹}، چه بهزیستی^{۵۰} و به طور کلی در هر جای -ابتدائاً بپرسید که نظریه این فعالیت از کجا آمده است و بررسی کنید که آیا آن تعریف، تعریف معیوبی است یا خیر؛ فلذا این کار خیلی مهمی است.

۵. رکن چهارم قرارگاه: الگوی عام قرارگاه تعریف چیست؟

سؤال چهارمی که در قرارگاه تعریف مطرح کردیم این است که «الگوی عام قرارگاه تعریف چیست؟» این الگوی عام یک تعریفی دارد که خواهش می‌کنم دقت فرمایید تا بحث جمع‌بندی شود؛ ما اصطلاحاً روی تعاریف پایه برنامه‌ریزی می‌کنیم، همه سازمان‌ها همین‌گونه اند یعنی روی پیش‌فرض‌ها و تعاریف پایه برنامه‌ریزی می‌کنند؛ یعنی قبل از آنکه آن سازمان تشکیل شود، شرط تشکیل آن رعایت یکسری از پیش‌فرض‌هاست. مثلاً اگر در جمهوری اسلامی ایران کسی بخواهد به مجلس برود و ثبت‌نام کند، باید قانون اساسی جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد؛^{۵۱} قانون اساسی جمهوری اسلامی هم یکسری چهارچوب‌های حقوقی تعریف کرده است. اگر کسی وارد مجلس شد باید آئین‌نامه داخلی مجلس را به رسمیت بشناسد. آئین‌نامه داخلی مجلس، از همان روز اول مجلس تا روز آخر را پیش‌بینی کرده است که مثلاً چگونه رئیس انتخاب شود، چگونه کمیسیون‌ها تشکیل شود، رابطه کمیسیون‌ها با صحن، با وزارتخانه‌های بیرون چگونه است و غیره؛ پس مثلاً یکی از پیش‌فرض‌ها قوانین حاکم بر مجموعه‌هاست، هرکس بخواهد برنامه‌ریزی کند باید این پیش‌فرض‌ها را رعایت کند. حالا شما می‌توانید یک مقدار بحث را عمیق‌تر کرده و بگویید که پیش‌فرض‌های مفهومی هم در اعصار مختلف وجود دارد؛ مثلاً هر اتفاقی در غرب بیافتد که مفهوم آزادی را به چالش بکشد، به طور پیش‌فرض ورود می‌کند و جلوی آن را می‌گیرند، حتی اگر کسی صرفاً بخواهد تحقیق کند؛ مثلاً یک تحقیقی را ارائه بدهد که به سمت این میل کند که لیبرالیسم را به چالش بکشد، جلوی آن را می‌گیرند. می‌گویند نظام سیاسی این مدرنیته روی لیبرالیسم سوار است و باید حفظ شود و نظام اقتصادی و

۴۷. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد، دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند.

سند توسعه پایدار، پیشگفتار

۴۸. کمیته امداد در ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷ هجری شمسی به فرمان امام خمینی علیه السلام تشکیل شد. این نهاد برای ایجاد رفاه و برقراری تسهیلاتی در امر کمک‌رسانی به محرومان جامعه دایر شد.

۴۹. یکی از مراکز سازمان بسیج سازندگی است. این مرکز نقش هدایتی و نظارتی در حرکت جهادی خودجوش را عهده‌دار می‌باشد.
۵۰. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان بهزیستی کشور از ادغام سازمان‌های خیریه و حمایتی که در این بخش فعالیت می‌کردند، در جهت گسترش خدمات توانبخشی، حمایتی، بازپروری، پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی و نیز کمک به تأمین حداقل نیازهای اساسی گروه‌های کم‌درآمد آغاز به کار کرد. در تیرماه سال ۱۳۸۳ بر اساس قانون ساختار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور به همراه سازمان‌های تأمین اجتماعی و بیمه خدمات درمانی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش منفک و به زیر مجموعه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ملحق شد.

۵۱. در فصل سوم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ با اعمال آخرین تغییرات ماده ۲۸، گفته شد که انتخاب شونده‌گان هنگام ثبت نام باید دارای شرط «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متریقی ولایت مطلقه فقیه» باشند.

اجتماعی آن هم همین‌گونه است؛ لذا لیبرالیسم یک مفهوم مادر است و در هر عصری یکسری مفاهیم مادر وجود دارد. مثلاً به برکت انقلاب اسلامی و مجاهدت‌های شهدا، مفهوم دین‌یا به تعبیر حوزوی آن «حجیت» - یک مفهوم پیش‌فرض است. الحمد لله جاافتاده است که باید مبتنی بر نگاه دینی رفتار کنیم؛ لذا نویسندگان و مجریان برجام هم گفتند که عاشورا درس مذاکره می‌دهد؛^{۵۲} یعنی مجبور بودند تئوری غلط خود را ذیل یک ابر روایت دینی تحلیل کنند. یا مثلاً آقای روحانی آن آیات مربوط به مستضعفین را قرائت می‌کرد و می‌گفت ما به دلیل این آیات می‌خواهیم مذاکره کنیم^{۵۳} که بنده در آن دوره دانشگاه شریف^{۵۴} به ایشان گفتم که شما دارید تحریف قرآن می‌کنید، حالا الآن کار ندارم که آیا استناد ایشان درست بود یا خیر، بلکه می‌خواهم بگویم که رئیس جمهور این مملکت وقتی می‌خواهد غربی رفتار کند و نظریات غربی را پیش ببرد، مجبور است نسبت خود را با پیش‌فرض‌های مفهومی پذیرفته شده تعریف کند. یا مثلاً پیش‌فرض‌های ساختار وجود دارد؛ مثلاً حیطة فعالیت‌های یک اداره کل در یک شهرستان را اداره کل استان تعریف می‌کند، حیطة فعالیت‌های اداره کل استان را هم وزارتخانه تعریف می‌کند. مثلاً یکی از چیزهایی که ما با آن مخالف هستیم که بسیار هم جدی است و در محرومیت‌زدایی به آن می‌پردازیم، این است که باید اختیار تولید، توزیع و مصرف از نهادهای متمرکز گرفته شود؛ یعنی نمی‌توان نهاد حاکمیتی متمرکز برای تولید داشته باشیم و مثلاً وزارتخانه‌ای داشته باشیم که کشاورزی کشور را مدیریت کند، خیر! این‌گونه نباید باشد! بلکه باید به صورت حداکثری اختیارات کشاورز توسعه پیدا کند یا حداقل نهادهای محله‌ای -یا به تعبیر امروزی غیر متمرکز- اختیارات را به دست بگیرند که شرح آن را در نظریه تعریف بحث می‌کنم. مثلاً فرض کنید روستایی را دهیار اداره می‌کند و دهیار هم به حرف فرماندهی و وزارت کشور گوش می‌کند، این روستا به یک‌شکل اداره می‌شود و روستایی هم که خود اهالی روستا تصمیم می‌گیرند و دارای اختیار هستند به گونه‌ای دیگر اداره می‌شود که مدل قدیمی بد آن [نظام] کدخدایی است؛ [در این فرض دوم که اهالی خود اختیار دارند] خود اهالی روستا بوم‌سنجی و ظرفیت‌سنجی می‌کنند؛ اساساً هنر نظریه تعریف این است که مدل این نوع از مشارکت را بحث می‌کند. [این مدل غیر متمرکز] یک کارآمدی متفاوتی پیدا می‌کند.

این مدیریت غیر متمرکز در مسائل اجتماعی و علم نیز همین‌گونه است؛ آقایان مراجع همیشه به طلبه‌ها توصیه می‌کنند که بهترین تبلیغات همین منبر است که شما در یک مسجدی با پنجاه نفر حرف می‌زنید و یک ماه رمضان هم وقت دارید، این مدل خیلی بهتر از آن است که در تلویزیون با بیست میلیون نفر حرف بزنید، آن هم بیست میلیون نفر که افکارشان مغشوش

۵۲. دکتر حسن روحانی: «درس کربلا برای ما، درس تعامل سازنده و مذاکره در چارچوب منطق و موازین است... در همان شب تاسوعایی که مورد تکریم شماست، شما می‌دانید که امام حسین علیه السلام خیمه‌ای را به پا کرد و عمر سعد را دعوت به مذاکره کرد. امام حسینی علیه السلام که آگاه است و می‌داند فردا و پس‌فردا ایام شهادت او و یارانش است. امام حسین علیه السلام می‌داند خون او و یارانش توسط همین عمر سعد و یاران نادانش ریخته می‌شود، اما با دنیا اتمام حجت کرد. شب تاسوعا ساعت‌ها با عمر سعد مذاکره کرد تا مسأله به جنگ پایان نیابد. نه امام حسین علیه السلام از جنگ می‌ترسید و نه از شهادت که به استقبال شهادت می‌شتافت، اما به ما یاد داد که حتی با دشمن، حتی با خصم ما باید به گونه‌ای رفتار بکنیم که منطق دنیا، ما را پیروز در صحنه مذاکره بداند.»

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/VI37p

۵۳. دکتر حسن روحانی روز پنجشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۵ در مراسم گرامی‌داشت روز ملی صادرات و در جمع صادرکنندگان کشور با طرح این پرسش که مگر در دنیای امروز کشوری می‌تواند بدون رابطه با دنیا به پیشرفت برسد، اظهار داشت: «قرآن نیز به ما خاطر نشان می‌کند "ان ارض الله واسع" که دنیا باز و زمین وسیع است و راه بیافتید و در جهان سیر کنید.»

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/yiQT6

۵۴. این دوره چهار جلسه‌ای با عنوان «تبیین مفهوم برنامه‌ریزی براساس مفاهیم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» از تاریخ ۱ آبان ۱۳۹۵ در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

است، قبل از صحبت شما یک شبکه را دیده‌اند و بعد از آن هم یک شبکه دیگر را می‌بینند و در همان حال هم دارند با خانواده صحبت می‌کنند و غذا می‌خورند؛ یعنی مخاطب تلویزیون، مخاطب با توجهی نیست، در حالی که مخاطب مسجد توجه خیلی بیشتری دارد. حالا اگر از گفتگوی منبر هم به گفتگوهای چهره به چهره بیاید [خیلی بهتر است]. خدا علمای قدیم را رحمت کند - نسل آن‌ها خیلی کمتر وجود دارد - می‌رفتند یک ساعت قبل نماز در مسجد می‌نشستند و یک ساعت بعد نماز هم در مسجد بودند، آدم‌ها هم تک به تک می‌رفتند با این‌ها صحبت می‌کردند؛ یعنی یک نفر موضوع کاملاً شخصی خودش را به آن عالم بیان می‌کرد و آن عالم هم وقت می‌گذاشت و تنها مشکل همان یک نفر را پردازش و حل می‌کرد. [با این مدل] خیلی کیفیت کار ارتقا پیدا می‌کرد. در حوزه علم هم همین‌گونه است و تنها در حوزه کشاورزی و تولید این‌گونه نیست.

در حوزه توزیع هم همین‌گونه است. بنده برای دوستان روایت آن را خوانده‌ام امام علیه السلام می‌فرماید: «تعرضوا للتجارات»^{۵۵} به همه شیعه می‌فرماید که متعرض تجارت شوید و همه اهل تجارت شوید، بعد دلیل آن را بحث می‌کند و می‌گوید: «تزیید فی العقل»^{۵۶}؛ یعنی تجارت عقل را زیاد می‌کند. حالا شما فرض کنید ما این را تبدیل به یک فرهنگ کنیم - که یکی از بخش‌های نظریه تعارف همین است - ما باید فرهنگ تجارت را در کشور راه بیندازیم، روی آن دقت کنید که اگر بشود چه اتفاقی می‌افتد؛ اول از همه پدیده دلالتی شکسته می‌شود یعنی پدیده تمرکز در توزیع و این فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مگامال‌ها (مراکز تجاری بسیار بزرگ) شکسته می‌شود. همه اهل تجارت می‌شوند؛ یعنی وقتی به مسافرت رفته‌اند، چیزی را می‌خرند و می‌آورند و به عده‌ای می‌فروشند، پس تمرکز در دلالتی شکسته می‌شود. بر روی آثار روایت دقت کنید. فرض کنید در ایران هشتاد میلیون، پنج میلیون نفر به این روایت عمل کنند، که به نظر بنده با ظرفیت دینی که ایران دارد، اگر دو-سه سال این روایت را مبنا قرار دهیم و جا بیندازیم، ظرفیت افرادی که به این روایت عمل می‌کنند - به دلیل ماهیت سودآوری که تجارت دارد - به بیست میلیون نفر افزایش پیدا می‌کند؛ یعنی می‌توان بیش از یک سوم جمعیت ایران را به تجارت‌های خرد واداشت. حالا فکر کنید در این صورت چه چالشی برای این مشکلی که الان به اسم دلالتی داریم ایجاد می‌شود؟ اثر تجارت همگانی بر کیفیت را ببینید؛ بنده یک بار از شما خرید می‌کنم و برای دفعه بعدی متعهد نیستم، پس اگر شما بخواهید تجارت خود را با بنده ادامه دهی، مجبور هستید کیفیت را رعایت کنید وگرنه اگر من جنس خراب از شما گرفتم، به سراغ کس دیگری می‌روم؛ لذا عمومی شدن تجارت به صورت خود به خود و بدون نظارت و اتفاقات قانونی موجب ارتقاء کیفیت می‌شود به این دلیل که افراد زیادی این کار را انجام می‌دهند. تجارت باعث می‌شود قیمت شکسته شود؛ کافی است قیمت جنس را بیست درصد بالاتر از قیمت واقعی توسط فروشنده اعلام شود در این صورت افراد از فردی غیر از شما خرید می‌کنند. لذا احکام بازار را مشاهده کنید؛ در اسلام اصل در بازار، بازارهای موقت است. در روایت آمده است که مکان کسب در بازار همچون مکان نمازگزار در مسجد است. اگر فردی در مسجد تکبیر گفت و مکان و جایگاهی را عهده‌دار شد تا زمانی که فرد در آن جایگاه قرار دارد متعلق به او

۵۵. وَ يَأْتِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ قَالَ: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَجِبُ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ الْمُتَّوْبُونَ غَيْرَ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: (به کارهای تجاری روی آورید. همانا در تجارت برای شما بی‌نیازی است از آنچه نزد مردم است و همانا خدای عزوجل پیشه‌ور امین را دوست دارد و مغبون، نه مورد ستایش است و نه پاداشی دارد)

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱

۵۶. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: «تجارت (دادوستد) عقل را می‌افزاید.»

کافی ج ۵، ص ۱۴۸

است و هیچ فرد دیگری اجازه ندارد آن فرد را از آن جایگاه منع کند؛ همانند این حکم در مورد بازار وجود دارد.^{۵۷} بنابراین واضح می‌گردد که بازارها در زمان اهل بیت علیهم‌السلام، موقت بودند. فردی باید در ابتدای صبح مکانی را اشغال می‌کرده و بساط فروش خود را به راه می‌انداخته و کالای خود را می‌فروخته. حکم شارع مقدس در مورد تراحمات اعطای حق به فردی است که ابتدا آن مکان در بازار را گرفته است. اگر فرهنگ تجارت همگانی را به راه بیندازیم در آینده بازارهای موقت اصل می‌شوند؛ نه مگامال‌ها، شرکت‌های زنجیره‌ای^{۵۸} و غیره که انشاء الله این مطالب را در آینده در فقه‌المکاسب^{۵۹} بحث خواهیم کرد. ما رقابت را انسانی معنا می‌کنیم؛ نه میان شرکت‌ها. این موضوع را باید تفصیلی‌تر بپردازیم؛ در حال حاضر تنها طرح مسئله انجام دادیم. این را به چه مناسبتی گفتیم؟ به این دلیل که قرارگاه تعریف الگوی عامی دارد. کارکرد الگوهای عام قرارگاه تعریف چیست؟ کارکرد الگوهای عام قرارگاه تعریف، تغییر پیش‌فرض‌های انسان‌ها است. اگر پیش‌فرض‌ها به صورت و شکل فعلی باشد برای مثال فرض ما این باشد که بایستی با دهیار و قانون مصوب مجلس در سال فلان در اداره روستاها کار کنیم یا فرض ما این باشد که طرح هادی^{۶۰} وجود داشته باشد و مدل محرومیت‌زدایی ما نیز وجود داشته باشد. [کار ما موفقیت زیادی نخواهد داشت] طبق آخرین خبری که بنده دارم اجرای طرح هادی در هشت هزار روستا تمام شده است.^{۶۱} در نظر دارند که دور جدید این طرح را با برنامه‌ریزی‌هایی جدید آغاز کنند. طرح هادی در واقع ضد ماهیت روستایی و در راستای شهری کردن ماهیت روستا عمل می‌کند. ما می‌خواهیم تولید را حداکثری کنیم به اصطلاح روستای مولد را ایجاد کنیم - البته استعمال تقسیم شهر

۵۷. مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: سَوَّقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى يَبُوتِ السُّوقِ الْكِرَاءِ.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: «بازار مسلمین در حکم مسجد مسلمین است. هرکسی که زودتر به یکی از دکه‌های بازار درآید و بساط خود را پهن کند، تا شب به سکناي آن دکه اولویت دارد. امیرالمؤمنین عليه السلام از دکه‌های بازار کوفه کرایه نمی‌گرفت.» [ترجمه بهبودی]

کافی ج ۵ ص ۱۵۵

۵۸. Multinational corporation (MNC), also called transnational corporation, any corporation that is registered .and operates in more than one country at a time

شرکت‌های چندملیتی (شرکت‌های چندملیتی MNC) که یک شرکت بین‌المللی نیز نامیده می‌شوند، هر شرکتی که در یک زمان در بیش از یک کشور در آن واحد فعالیت می‌کند.

آدرس مطلب در دایرةالمعارف بریتانیکا: yon.ir/ifum۰

۵۹. مباحثات دوره اول فقه‌المکاسب شامل پنج ساختار بحثی ۱- بررسی طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری مشاغل بر اساس زیرساخت‌های هدایت ۲- بررسی ویژگی‌های الگوی تولید به صورت استظهاری و فقهی ۳- بررسی ماهیت سوق و بازار و الگوی توزیع به صورت استظهاری و فقهی ۴- بررسی مبادلات میان مشاغل و ارائه تعریف جدید از ابزار مبادله (تعریف جدید پول) ۵- بررسی و تبیین مسئله تجارت بین‌الملل به صورت استظهاری و فقهی است.

۶۰. طرح‌های هادی روستایی از جمله پروژه‌هایی محسوب می‌شوند که در راستای فراهم‌سازی زمینه توسعه و عمران نقاط روستایی تهیه و اجرا می‌شوند.

آیین‌نامه اجرایی طرح‌های هادی در سایت وزارت راه و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/Q&M۰f

۶۱. مناطق روستایی کشور در سطح حوزه، مجموعه و منظومه روستایی به شرح زیر تعریف و سطح بندی می‌شوند:
الف- حوزه روستایی؛ اجتماعی از چندآبادی همجوار و مرتبط در قلمرو جغرافیایی و فرهنگی همگن با عملکردهای بالنسبه همسان با یک کانون جمعیتی برتر را شامل می‌شود و جمعیت آن (هر حوزه) تا پنج هزار نفر می‌باشد. مناطق روستایی کشور حدوداً شامل ۸۰۰۰ حوزه روستایی خواهد بود...

خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی: تابش با بیان اینکه ۹۴ درصد روستاها طرح هادی دارد، افزود: از مجموع روستاهای دارای طرح هادی در ۱۷ هزار و ۷۷۰ روستای بالای ۲۰ خانوار طرح هادی و بهسازی انجام شده است.

تاریخ انتشار خبر: ۲۶ دی ۱۳۹۷ yon.ir/uBj۵M

به روستا در ادبیات بنده از باب فقه‌البیان است در حالی که ما تقسیمات فعلی مکان زندگی به شهر و روستا را قبول نداریم و ان‌شاء الله در آینده در الگوی عام معنای شهر و روستا را بحث می‌کنیم. بنابراین اگر قوانین فعلی در ذهن‌ها جایگاهی دارند بایستی با مجموعه‌ای از استدلال‌ها به چالش کشیده شوند. فرهنگ‌های فعلی [نیز باید به چالش کشیده شوند]. برای مثال در مورد مسئله باغداری، مجموعه‌ای از دلال‌ها حضور دارند؛ هنوز باغ به ثمر نرسیده میوه‌های آن را به یک دلال می‌فروشند. دلال آن محصول را به زیر قیمت می‌خرد و یک سیستم بسته‌بندی و انتقال طراحی کرده و به کار خود ادامه می‌دهد. ما در این فرهنگ توانایی محرومیت‌زدایی نداریم! بنده به این کاری ندارم که امکان دارد که شما حال و حوصله برهم زدن این نظم‌ها را نداشته باشید و اعتراضی به شما نمی‌کنم که شما حال و حوصله ندارید؛ می‌گویم در آینده تا زمانی که فرهنگ دلالی در روستا وجود دارد، نمی‌توانید محرومیت‌زدایی در روستا را به راه بیندازید. برای رونق دادوستد در روستا ضمانت می‌خواهیم تا روستا از محرومیت نجات یابد؛ ضمانت این‌ها به تغییر فرهنگ‌ها و ساختارها برمی‌گردد.

۵/۱. تصویرسازی بر اساس نظریات عام الگوی پیشرفت برای افراد قرارگاه و جلوگیری از تأثیرگذاری مفاهیم مدرن بر افراد قرارگاه؛ علت طرح سؤال چهارم

سخن الگوی پیشرفت اسلامی این است که اگر بتوانیم مدل جدیدی را به خوبی تئوریزه کنیم تا سطح تغییر قانون اساسی ظرفیت برای اجرای آن مدل وجود دارد. البته تشخیص شخصی بنده این است - اما آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌هایشان به صراحت این مطلب را بیان کرده‌اند که اگر در موقعیتی نیاز شد قانون اساسی را نیز تغییر می‌دهیم^{۶۲}. البته این مربوط به آینده بلندمدت است. سه دسته پیش‌فرض وجود دارد؛ پیش‌فرض‌های قانونی، فرهنگی و ساختاری. آیا این سه پیش‌فرض می‌توانند ظرف محرومیت‌زدایی باشند یا اتفاقاً ظرف محرومیت‌زدایی‌اند؟ لذا الگوی عام قرارگاه سعی دارد تا این پیش‌فرض‌های محرومیت‌زا را به گونه‌ای مدیریت کند؛ البته دقت بفرمایید که منظور مدیریت این پیش‌فرض‌ها در ذهن اعضای قرارگاه است. الگوی عام قرارگاه برای بیرون قرارگاه نیست بلکه برای درون قرارگاه است. ما که نمی‌توانیم فهم خود را تحمیل کنیم. برای مثال فردی در قرارگاه ما حضور دارد که در گذشته پاسدار، طلبه حوزه علمیه، مهندس یا یک بازاری موفق بوده است در حال حاضر در قرارگاه تعریف حضور پیدا کرده تا محرومیت‌زدایی انجام دهیم؛ با ابزار الگوی عام، پیش‌فرض‌های غلط فعالین حوزه محرومیت‌زدایی را اصلاح می‌کنیم. بنابراین این نیز کارکرد الگوی عام است.

۶۲. البته نو شدن به معنای این است که گاهی اقتضانات بیرونی و واقعیت‌ها چیزی را اقتضاء می‌کند، یک روز چیز دیگری را اقتضاء می‌کند؛ یک نمونه عملی عینی‌اش همین سیاست‌های اصل ۴۴ در باب اقتصاد است. یک روز، تقسیم منابع اقتصادی در کشور به آن شکلی بود که در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است. اسم آوردند؛ این نهادها، این بنیادها متعلق به بخش عمومی است، این‌ها متعلق به بخش خصوصی است - احصاء کردند، مشخص کردند - لیکن در ذیل همین اصل آمده است که این تا هنگامی است که به شکوفائی اقتصاد کشور کمک کند. معنایش چیست؟ معنایش این است که اگر شرائط به گونه‌ای شد که این تنظیم و این ترتیب به شکوفائی و پیشرفت اقتصاد کمک نمی‌کند، می‌تواند تغییر پیدا کند؛ و تغییر پیدا کرد. این، همان جابه‌جا کردن خطوط هندسی نظام است. فرض بفرمائید ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آنچنان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه قضا همین جور. در آینده هم این‌ها قابل تغییر است. امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الآن هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس شود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند. و از این قبیل. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه - ۹۰/۷/۲۴

۶. رکن پنجم قرارگاه: الگوی خاص قرارگاه تعارف چیست؟

سؤال پنجم مربوط به الگوی خاص قرارگاه تعارف است به این دلیل که دستور کار جلسه ما است به شرح آن نمی‌پردازم. پس از این که عرایض بنده تمام شد همین مطلب را بحث می‌کنیم هفته‌های گذشته نیز بحث شد اما تنها یک جمله عرض کنم.

۶/۱. تعریف محرومیت‌زدایی به معنای بهینه‌کردن روابط انسانی و تبیین سیزده نوع روابط انسانی به عنوان تصویر الگوی خاص قرارگاه

الگوی خاص تعارف - که نظریه تعارف است - تعریفی دارد و آن عبارت از این است که محرومیت‌زدایی به معنای بهینه‌کردن روابط انسانی است؛ پس تمامی تلاش‌های ما در قرارگاه تعارف، به جهت بهینه‌کردن روابط انسانی است. در ابتدا روابط انسانی را تصویر می‌کنیم. با مباحثاتی که انجام دادیم، تعداد آنها تکمیل شد و تا حال حاضر متوجه شدیم که سیزده نوع روابط انسانی در روایات توصیه شده است. ما بایستی هر سیزده نوع رابطه را با برنامه‌هایمان بهینه کنیم. این مطلب را ان‌شاء الله عرض خواهم کرد.

۷. رکن ششم قرارگاه: چگونه با فرهنگ‌ها، قوانین و ساختارهای مولد محرومیت مواجه شویم؟

سؤال جدیدی که بنده به عنوان سؤال ششم اضافه کردم این است که ما به عنوان یک واقعیت در حال حاضر در حال کار کردن با همین قانون اساسی، نمایندگان مجلس، وزارت‌خانه‌ها، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های کارشناسی هستیم. زمین اجرای نظریه تعارف - که یک نظریه فقهی است - عصر ظهور نیست که تسلط مدرنیته برداشته شده باشد؛ عصر دوره رسول الله ﷺ نیز نیست. زمین بازی ما تمدن مدرنیته است.

۷/۱. لزوم مواجهه با سه دسته پیش‌فرض‌های خنثی‌کننده تمدن مدرنیته نسبت به تصمیمات محرومیت‌زایانه قرارگاه تعارف؛ علت طرح سؤال ششم

تمدن مدرنیته نیز با علم، ساختار و قوانین خود حضور دارد - همان‌گونه که در الگوی عام توضیح دادم - حداقل سه دسته پیش‌فرض را بر ما تحمیل می‌کنند. ما در الگوی عام از تأثیرگذاری پیش‌فرض‌های تمدن مدرنیته بر داخل مجموعه‌مان جلوگیری می‌کنیم. مجموعه ما از درون در مقابل آن حرف‌ها و اکسینه می‌شود. این را با الگوی عام انجام می‌دهیم. اما سؤالی در این جا وجود دارد و آن این است که مجلس شورای اسلامی عضو مجموعه ما نیست سخنان مجموعه ما را نیز نمی‌پذیرد بلکه مستقل است و دارای رئیس، کارشناس و مرکز پژوهش‌هاست؛ اگر او قانونی را تصویب کرد که از نظر ما حاوی پیش‌فرض‌های محرومیت‌زا بود ما چگونه محرومیت‌زدایی خود را انجام دهیم؟ آیا محرومیت‌زدایی را رها کنیم؟ اگر این کار را انجام دهیم محرومیت‌زایی توسعه می‌یابد؛ از طرفی ما محرومیت‌زدایی می‌کنیم اما آن قانون غلط همچون طرح «هادی» محرومیت‌زایی می‌کند. آیا با آن‌ها دعوا کنیم؟ نزاع موجب ایجاد فتنل و اختلاف است^{۶۳} پس به یک مدل مواجهه با پیش‌فرض‌های محرومیت‌زا احتیاج داریم. بنابراین سؤال ششم این است که: «چگونه با فرهنگ‌ها، قوانین و ساختارهای مولد محرومیت در بیرون مواجه شویم؟» چگونه این قوانین، فرهنگ‌ها و ساختارها را اصلاح کنیم؟ جوابی که به این سؤال می‌دهیم می‌تواند موانع محرومیت‌زدایی را برای ما حل و فصل کند. بنده زمانی که به برخی از گفت‌وگوهای خود در گذشته،

۶۳. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید که سست و بد دل می‌شوید و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود و شکست‌خیزی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است. [ترجمه انصاریان]

رجوع می‌کنم متوجه می‌شوم که در قرارگاه پیشرفت و آبادانی در مورد وجود عوامل محرومیت‌زا بحث می‌شد، اساساً این هشتگ معروف -بیخشید که بنده با اصطلاح‌های رکیک صحبت می‌کنم- «توسعه، محرومیت‌زا است» را در دور اول مباحثات خود در ستاد پیشرفت و آبادانی تولید کردیم. در آن‌جا در مورد این وفاق داشتیم که با مجموعه‌ای از عوامل محرومیت‌زا روبرو هستیم اما گفت‌وگوها تعمیق نشد تا به این پردازیم که چگونه این عوامل محرومیت‌زا را از بین ببریم و به یک مدل مواجهه نرسیدیم. لذا قرارگاه تعریف ان شاء الله مدل مواجهه با پیش‌فرض‌ها، فرهنگ‌ها و قوانین محرومیت‌زا را بحث می‌کند. اگر فردی به صورت اجمالی خواهان فهم این بود که ما چگونه و با چه تفکری این کار را انجام می‌دهیم جواب این است که با الگوی جدید نگاهیانی از نظام^{۶۴} این پیش‌فرض‌ها را برمی‌داریم. برای مثال از مهم‌ترین قوانین محرومیت‌زا در ایران سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است که دارای هدفه بخش است. که با آن با استفاده از الگوی جدید نگاهیانی از نظام مواجهه می‌کنیم. بنابراین الگوی جدید نگاهیانی از نظام را نیز تشریح می‌کنیم تا چگونگی مواجهه را برای ما ترسیم کند.

بنده عرایض خود را جمع‌بندی کنم تا وارد قسمت‌های بعدی جلسه شویم. بنابراین ارکان نظریه تعریف، شش سؤال است. این شش سؤال راجع به شش مشکل و مسئله‌ای که در حوزه محرومیت‌زدایی در حال حاضر داریم مطرح شده است. اگر ما بتوانیم این شش مسئله را مدیریت کنیم حدس استنباطی و اجتهادی ما این است که می‌توانیم مسئله محرومیت را مدیریت کنیم. البته بنده کلام همیشگی خود را تکرار کنم که تضارب و گفت‌وگو حد یقف ندارد. می‌توانیم دوباره اشکالات را وارد و بحث‌ها را مطرح کنیم تا کار را تکمیل کنیم. به دلیل مباحثات و گفت‌وگوهایی که از هفته گذشته تا حال حاضر وجود داشت، نقشه قرارگاه تعریف از پیش‌نویس اول به پیش‌نویس دوم رسید و یک سؤال جدید مطرح شد. بنده پیشنهاد می‌کنم که دبیرخانه قرارگاه تعریف نیز عرایض ما را مکتوب کند و در شرح پیش‌نویس دوم و همراه با نقشه نظام مقایسه نظریه تعریف منتشر کند تا یک جزوه مکتوب نیز در توضیح ارکان قرارگاه نظریه تعریف داشته باشیم.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

۶۴. الگوی جدید نگاهیانی از نظام یکی از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است که با ارائه نگرشی جامع نسبت به ماهیت اسناد بین‌المللی، راهکار مقابله با این اسناد را به روش نظام مقایسه ارائه می‌دهد. این الگو قابلیت عملیاتی شدن در شورای نگهبان برای ارتقای مفهوم نگاهیانی از نظام را داراست.

بخشی از متن:

مادر همه امکانات برای سازمان‌دهی، تحریک فکر است؛ یعنی اگر کسی بخواهد سازمان‌دهی کند یا به تعبیر روایات «نصرت امام» کند یا به تعبیر آیه شریفه بخواهد «تعاونوا علی البرّ و التقوی» کند و یا به تعبیر امروزی - اگر بخواهیم مسامحه کنیم - بخواهد مشارکت و سازمان‌دهی ایجاد کند، در صورتی که بتواند صرفاً تحریک فکر کند، همه امکانات دیگر مشارکت را می‌تواند از پایگاه تحریک فکر به دست بیاورد. مثلاً می‌گویید: «اگر کسی بخواهد یک کاری را در کشور به جلو ببرد - مثل مسئله محرومیت‌زدایی که ما در حال انجام آن هستیم - نیاز به نیروی انسانی دارد.» من این جواب را می‌دهم: «مگر شما نیروی انسانی را با ابزاری بهتر از تحریک فکر می‌توانید جذب کنید؟ نیروی انسانی را گاه با پرداخت حقوق می‌توان جذب کرد، گاه می‌شود فکر او را درگیر کرد و او را در اختیار یک فکر و راه قرار داد. طبیعی است که ماندگاری این مدل بیشتر است.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir



کانال "الگو 4" در پیام‌رسان ایتا @olgou4

